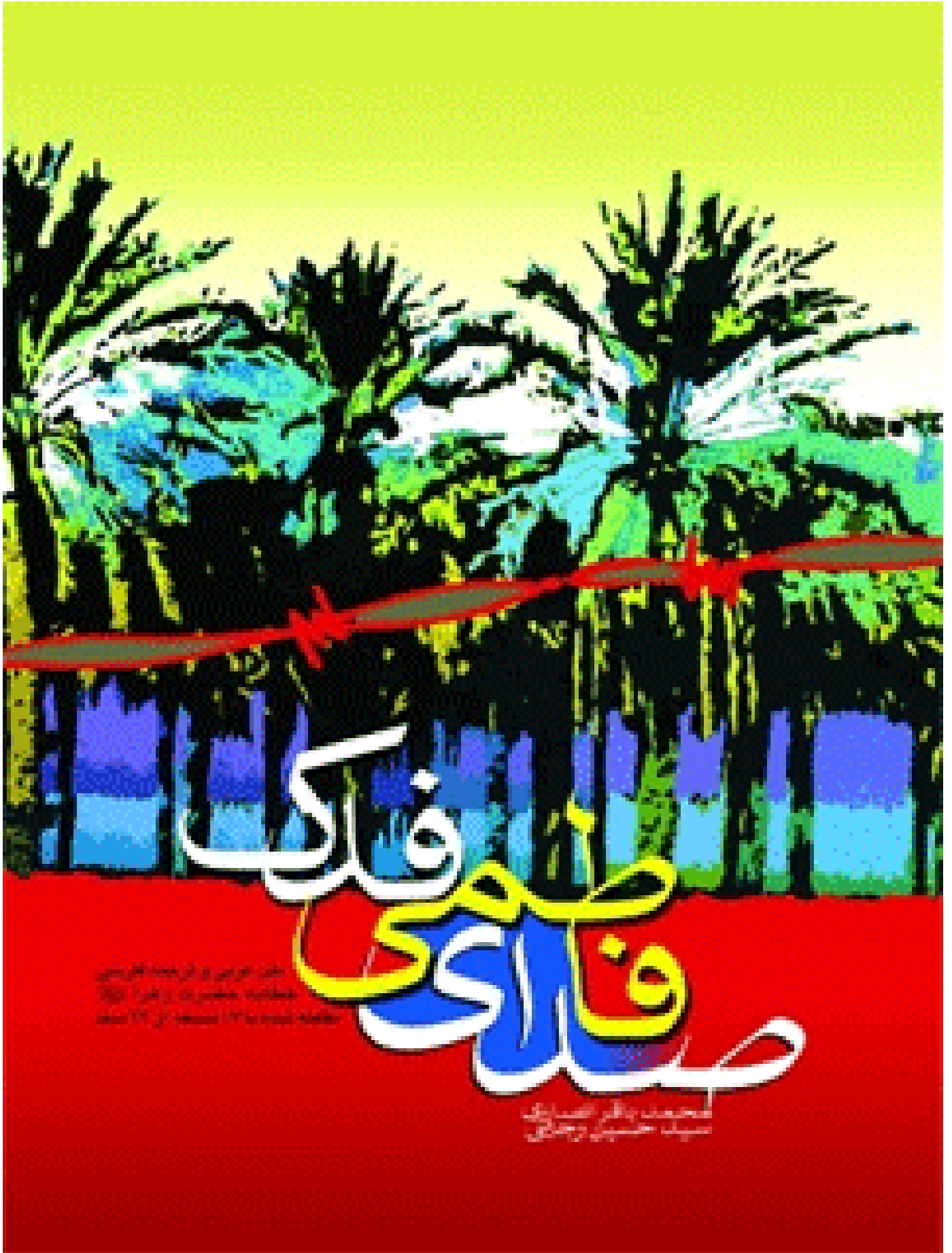


گروه فرهنگی تطهیرا

**Tathira.com**



# فلاںک

پہلی ایڈیشن و اول نمبر اپریل ۲۰۱۱ء  
مطابقہ پبلسٹیٹی ریڈیو ایف ایم  
پتہ: ایف ایم ۱۲، ایف ایم ای، ایف ایم

ایڈیٹنگ: ڈاکٹر عبدالرشید  
ایڈیٹنگ: ڈاکٹر عبدالرشید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# صدای فاطمی فدک

نویسنده:

محمدباقر انصاری

ناشر چاپی:

دلیل ما

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	..... فهرست
۱۲	..... صدای فاطمی فدک
۱۲	..... مشخصات کتاب
۱۲	..... توضیح
۱۲	..... نگاهی به ماجرای فدک
۱۲	..... فتح و اعطای فدک به فاطمه
۱۲	..... اخراج نماینده حضرت زهرا و غضب فدک
۱۳	..... ارائه سند فدک توسط حضرت زهرا
۱۳	..... جعل حدیث برای غضب فدک
۱۳	..... احتجاج مفصل حضرت زهرا در مجلس ابوبکر و عمر
۱۳	..... شاهدان فاطمه بر ملکیت فدک
۱۴	..... نصرت طلبی حضرت زهرا و اهل بیت در سایه فدک
۱۴	..... احتجاج خصوصی حضرت زهرا بر ابوبکر
۱۴	..... پاره کردن سند فدک
۱۵	..... احتجاج مفصل امیرالمؤمنین با ابوبکر و عمر در مسجد
۱۵	..... خطابه مفصل حضرت فاطمه زهرا در مسجد
۱۶	..... سخنان حضرت زهرا برای زنان عیادت کننده
۱۷	..... نامه امیرالمؤمنین به ابوبکر درباره غضب فدک
۱۷	..... سخنرانی ابوبکر درباره توافق مردم بر غضب فدک
۱۷	..... سخنان ابوبکر در تهدید و تطمیع مهاجرین و انصار
۱۸	..... آخرین سخنان حضرت زهرا در رابطه با فدک
۱۸	..... متن عربی و ترجمه فارسی خطبه حضرت زهرا در ماجرای فدک
۱۸	..... الزهراء تاتی المسجد

- ۱۸ ..... اشاره
- ۱۸ ..... حضرت زهرا به مسجد می آید
- ۱۹ ..... الحمد و الثناء
- ۱۹ ..... اشاره
- ۱۹ ..... حمد و ثنا
- ۲۰ ..... بعثه الرسول الاعظم و مسير الرساله
- ۲۰ ..... اشاره
- ۲۰ ..... بعثت پیامبر و مسير رسالت
- ۲۰ ..... خطابها مع المهاجرين و الانصار
- ۲۱ ..... اشاره
- ۲۱ ..... خطاب حضرت به مهاجرين و انصار
- ۲۱ ..... القرآن و اهل البيت
- ۲۱ ..... اشاره
- ۲۱ ..... قرآن و اهل بیت
- ۲۱ ..... اسرار احکام الله
- ۲۱ ..... اشاره
- ۲۲ ..... حکمت دستورات الهی
- ۲۲ ..... اعلمو انی فاطمه
- ۲۲ ..... اشاره
- ۲۲ ..... بدانید من فاطمه هستم
- ۲۲ ..... مسیره الرساله المحمديه
- ۲۳ ..... اشاره
- ۲۳ ..... سير رسالت پیامبر
- ۲۳ ..... علی فی ابلاغ الرساله الالهيه

- ۲۳ ..... اشاره
- ۲۳ ..... علی در تبلیغ رسالت
- ۲۴ ..... ما أظهروه الناس بعد وفاه صاحب الرساله
- ۲۴ ..... اشاره
- ۲۴ ..... رفتار مردم بعد از رحلت پیامبر
- ۲۵ ..... فدک و الارث
- ۲۵ ..... اشاره
- ۲۵ ..... فدک و ارث
- ۲۶ ..... شکواها الى رسول الله
- ۲۶ ..... اشاره
- ۲۶ ..... خطاب به پیامبر
- ۲۷ ..... خطابها مع الانصار
- ۲۷ ..... اشاره
- ۲۷ ..... خطاب به انصار
- ۲۸ ..... الزهرا تظلم بمرأى و مسمع
- ۲۸ ..... اشاره
- ۲۸ ..... ظلم به فاطمه در انظار مردم
- ۲۸ ..... قاتلوا ائمه الكفر
- ۲۸ ..... اشاره
- ۲۸ ..... با امامان کفر بکنگید
- ۲۹ ..... خذلان الناس عن الحق
- ۲۹ ..... اشاره
- ۲۹ ..... خواری حق به دست مردم
- ۲۹ ..... العار و النار لمن یخذل ابنه نیبه

- ۲۹ ..... اشاره
- ۲۹ ..... عار و عذاب بر کسی که دختر پیامبر را خوار کند
- ۳۰ ..... انا ابنه بیکم
- ۳۰ ..... اشاره
- ۳۰ ..... من دختر پیامبرتان هستم
- ۳۰ ..... جواب ابی بکرلها
- ۳۰ ..... اشاره
- ۳۰ ..... جواب ابوبکر
- ۳۱ ..... الحدیث الموضوع النبى لایورث
- ۳۱ ..... اشاره
- ۳۱ ..... حدیث جعلی النبى لایورث
- ۳۱ ..... خطابها مع ابی بکر
- ۳۱ ..... اشاره
- ۳۱ ..... پاسخ ابوبکر
- ۳۲ ..... القرآن یصرح بارث الانبیاء
- ۳۲ ..... اشاره
- ۳۲ ..... تصریح قرآن به ارث انبیاء
- ۳۲ ..... جواب ابی بکرلها
- ۳۲ ..... اشاره
- ۳۲ ..... جواب ابوبکر
- ۳۲ ..... خطابها مع المسلمین و معانیتهم
- ۳۳ ..... اشاره
- ۳۳ ..... خطاب به مسلمانان
- ۳۳ ..... اثر خطبتهها



- ۳۳ ..... اشاره
- ۳۳ ..... تأثیر خطبه حضرت
- ۳۳ ..... ماجری بین ابی بکر و عمر بعد خطبتها
- ۳۳ ..... اشاره
- ۳۳ ..... آنچه بین ابوبکر و عمر اتفاق افتاد
- ۳۴ ..... ابوبکر یهدد الناس
- ۳۴ ..... اشاره
- ۳۴ ..... خطاب تهدیدآمیز ابوبکر به مردم
- ۳۴ ..... استنکار ام سلمه
- ۳۴ ..... اشاره
- ۳۵ ..... پاسخ ام سلمه به ابوبکر
- ۳۵ ..... خطابها مع رافع بن رفاعه تذکر غدیر خم
- ۳۵ ..... اشاره
- ۳۵ ..... خطاب حضرت با رافع و یادآوری غدیر
- ۳۵ ..... شکواها الی امیرالمؤمنین
- ۳۵ ..... اشاره
- ۳۶ ..... شکایت به امیرالمؤمنین
- ۳۶ ..... امیرالمؤمنین یخفف عنها الالام
- ۳۶ ..... اشاره
- ۳۶ ..... تسلی امیرالمؤمنین به حضرت زهرا
- ۳۷ ..... عیاده نساء المهاجرین و الانصار لها
- ۳۷ ..... اشاره
- ۳۷ ..... عیادت زنان مهاجر و انصار
- ۳۷ ..... ما الذی نقموا من ابی احسن

- ۳۷ ..... اشاره
- ۳۷ ..... از علی چه چیزی را نپسندیدند؟
- ۳۸ ..... خساره الامه بغصب حق علی
- ۳۸ ..... اشاره
- ۳۸ ..... خسارت امت با غصب حق علی
- ۳۸ ..... انذر هم بعاقبه الاغتصاب
- ۳۸ ..... اشاره
- ۳۸ ..... چه کسی را به جای علی انتخاب کردند
- ۳۸ ..... من الذی استبدلوه بعلی
- ۳۹ ..... اشاره
- ۳۹ ..... پیش بینی عاقبت غصب خلافت
- ۳۹ ..... عذر لا یقبل بعد التقصیر
- ۳۹ ..... اشاره
- ۳۹ ..... عذری که پذیرفته نیست
- ۳۹ ..... مدارک خطبه فدک
- ۴۰ ..... اشاره
- ۴۰ ..... سند خطابه حضرت زهرا
- ۴۰ ..... منابع خطابه حضرت زهرا
- ۴۱ ..... اسناد خطابه حضرت زهرا
- ۴۱ ..... اشاره
- ۴۱ ..... روایت حضرت زینب کبری
- ۴۱ ..... روایت امام حسین
- ۴۲ ..... روایت امام باقر
- ۴۲ ..... روایت ابن عباس

- ۴۲ ..... روایت عبدالله بن حسن بن حسین
- ۴۲ ..... روایت عایشه
- ۴۲ ..... روایت ابوهشام محمد
- ۴۳ ..... روایت عوانه
- ۴۳ ..... روایت ابن عایشه
- ۴۳ ..... روایت امیرالمؤمنین
- ۴۳ ..... روایت امام زین العابدین
- ۴۳ ..... روایت فاطمه بنت الحسین
- ۴۴ ..... روایت ابن عباس
- ۴۴ ..... روایت عطیه عوفی
- ۴۴ ..... تنظیم و ترجمه متن کامل خطبه حضرت زهرا
- ۴۵ ..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## صدای فاطمی فدک

### مشخصات کتاب

سرشناسه: انصاری محمدباقر، ۱۳۳۹ - عنوان و نام پدیدآور: صدای فاطمی فدک متن عربی و ترجمه فارسی خطابه حضرت زهرا علیها السلام برای اولین مقابله شده با ۱۷ نسخه از ۲۲ سند / محمدباقر انصاری حسین رجایی مشخصات نشر: قم دلیل ما ۱۳۸۱. مشخصات ظاهری: ۸۳ ص. شابک: ۳۵۰۰ ریال ۹۶۴-۷۵۲۸-۸۴-۱؛ ۵۰۰۰ ریال (چاپ ششم)؛ ۸۰۰۰ ریال (چاپ هفتم)؛ ۱۰۰۰۰ ریال چاپ نهم ۹۷۸-۹۶۴-۷۵۲۸-۸۴-۹: یادداشت: فارسی - عربی یادداشت: پشت جلد به انگلیسی. Mohammad. Baqer Ansari. Hosayn Rajayi. The fatimi call of fadak یادداشت: چاپ دوم ۱۳۸۲. یادداشت: چاپ ششم: بهار ۱۳۸۶. یادداشت: چاپ هفتم: بهار ۱۳۸۷. یادداشت: چاپ نهم: ۱۳۸۸. یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس موضوع: فاطمه زهرا (س)، ۸؛ قبل از هجرت - ۱۱ق -- خطبه‌ها موضوع: فدک شناسه افزوده: رجایی حسین رده بندی کنگره: BP۲۷/۲۵/الف ص ۴ ۱۳۸۱ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۷۳ شماره کتابشناسی ملی: م ۸۱-۱۳۳۱۴

### توضیح

آنچه در این کتاب می‌خوانید متن کامل خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها در ماجرای فدک و ترجمه فارسی آن در صفحه مقابل است. متن حاضر برای اولین بار با ۲۲ سند ارائه می‌شود که با ۱۷ نسخه مقابله گردیده است. مقدمه کوتاهی درباره ماجرای فدک قبل از خطبه و اسناد و منابع پس از آن ذکر شده است.

### نگاهی به ماجرای فدک

#### فتح و اعطای فدک به فاطمه

پس از فتح خیبر در سال هفتم هجرت و حدود چهار سال قبل از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، اهل فدک تسلیم شدند بدون آنکه لشکر اسلام در فتح آنجا شرکت داشته باشند، و به حکم آیه ما افاء الله علی رسوله چنین سرزمینهایی ملک شخصی پیامبر صلی الله علیه و آله می‌شود. لذا سرزمین فدک به صورت یکپارچه از آن پیامبر صلی الله علیه و آله شد که می‌بایست مردم فدک در آن کار می‌کردند و در آمد آن را به حضرت تسلیم می‌نمودند و فقط اجرت دریافت می‌کردند. بلافاصله پس از فتح فدک، آیه وات ذا القربی حقه نازل شد، یعنی حق خویشان را به آنان بده، و جبرئیل در بیان آن از طرف خداوند عرضه داشت: فدک را به فاطمه عطا کن. پیامبر صلی الله علیه و آله حضرت زهرا سلام الله علیها را فرا خواند و به دستور آن حضرت سند فدک بعنوان بخشوده و اعطایی پیامبر صلی الله علیه و آله به آن حضرت تحویل داده شد. سپس با دعوت مردم، از درآمد فدک به عنوان اعطایی فاطمه سلام الله علیها بین مردم تقسیم کردند. حضرت زهرا سلام الله علیها در سرزمین فدک نماینده ای قرار داد، و او پس از محاسبات لازم و پرداخت مخارج، در آمد آن را - که از هفتاد هزار سکه طلا تا صد و بیست هزار سکه نوشته اند - خدمت حضرت زهرا سلام الله علیها تقدیم می‌نمود. هر ساله حضرت به اندازه قوت خود بر می‌داشت و بقیه را بین فقرا تقسیم می‌کرد، و تا هنگام رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله این شیوه ادامه داشت.

#### اخراج نماینده حضرت زهرا و غضب فدک

ده روز پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله ابوبکر مأموران را به فدک فرستاد و نماینده حضرت زهرا سلام الله علیها را از آنجا اخراج کرد و آن را غضب نمود و در آمد آن را برای مخارج حکومت غاصبانه خود قرار داد.

### ارائه سند فدک توسط حضرت زهرا

در اولین برخورد، عمر به حضرت زهرا سلام الله علیها گفت: آن نوشته ای که می گفتمی پدرت درباره فدک برایت نوشته بیاور! حضرت زهرا سلام الله علیها سند فدک را آورد و به ابوبکر نشان داد و فرمود: این نوشته پیامبر صلی الله علیه و آله برای من و فرزندانم است. ابوبکر و عمر نه تنها اعتنایی به سند نکردند بلکه عمر سند فدک را از حضرت زهرا سلام الله علیها گرفت و پیش چشم مردم آب دهان بر آن انداخت و آن را پاره کرد و علنا مخالفت خود را با امر پیامبر صلی الله علیه و آله اعلام نمود. اکنون باید مراحل اتمام حجت طی می شد تا غاصبین کار خود را حق جلوه ندهند.

### جعل حدیث برای غضب فدک

آماده سازی مدرکی جعلی برای گرفتن فدک به صورت جمله نحن معاشر الانبیاء لا نورث ما پیامبران ارث نمی گذاریم مطرح شد. در جایی که اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله حضور داشتند، کسی جز عایشه و حفصه و یک عرب بیابانی به نام مالک بن اوس بن حدثان کسی به شنیدن چنین حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله گواهی نداد.

### احتجاج مفصل حضرت زهرا در مجلس ابوبکر و عمر

در اولین مرحله اتمام حجت، حضرت زهرا سلام الله علیها به امر امیرالمومنین علیه السلام به مجلسی آمد که ابوبکر و عمر به همراه عده ای به طور خصوصی در آن بودند، و ابتدا اخراج نماینده اش را مطرح کرد و اینکه فدک بخشوده پیامبر صلی الله علیه و آله است. ابوبکر حدیث جعلی نحن معاشر الانبیاء لا نورث را پیش کشید. حضرت زهرا سلام الله علیها فرمودند: این اولین شهادت ناحق است. فدک را پیامبر صلی الله علیه و آله به من بخشیده است و من شاهدانی دارم. ابوبکر گفت: دلیل خود را بیاور. حضرت زهرا سلام الله علیها تصرف مالکانه خود در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله را مطرح کرد و فرمود: چرا درباره چیزی که در دست من است از من شاهد می خواهی؟! ابوبکر سخن حضرت را نشنیده گرفت و بار دیگر گفت: چون غنیمت مسلمانان است، اگر دلیل بیاوری امضا نخواهم کرد! حضرت فرمود: آیا می خواهید دستور پیامبر صلی الله علیه و آله را رد کنید و درباره ما حکمی غیر از حکم مسلمانان اجرا کنید؟! عمر با حال غضب گفت: این غنیمت مسلمانان است، و باید برای مالکیت خود دلیل بیاوری! حضرت در اینجا عصمت خود را مطرح فرمودند و اینکه سیده زنان اهل بهشت ادعای باطل نمی نماید، همانطوری که شهادت کسی بر علیه آنان قبول نیست. ولی عمر گفت: ما شهادت دیگران را بر علیه تو قبول می کنیم! حضرت با اشاره به آیه تطهیر فرمود: کسی که بر علیه سیده زنان اهل بهشت شهادتی را بپذیرد ملعون و کافر است: چرا که آنان به حکم خداوند معصومند و آنان با سایر مردم مساوی نیستند. سپس ابوبکر گفت: درباره فدک دلیل بیاور. حضرت زهرا سلام الله علیها با ذکر آیه و آت القربی حقه فرمود: من و فرزندانم نزدیکترین خلائق به پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم و آن حضرت فدک را به بخشید. عمر گفت: بر ادعای خود دلیل بیاور و شاهدانی حاضر کن!

### شاهدان فاطمه بر ملکیت فدک

حضرت زهرا سلام الله علیها در همان مجلس ماند و کسی را فرستاد تا امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین علیه السلام و ام ایمن

و اسماء بنت عمیس آمدند و به همه آنچه حضرت زهرا سلام الله علیها فرموده بود شهادت دادند. عمر گفت: علی همسر اوست، حسن و حسین هم پسران او هستند. ام ایمن هم خدمتکار اوست. اسماء بنت عمیس هم قبلا همسر جعفر بن ابی طالب بوده و خدمتگزار فاطمه سلام الله علیها است و به نفع بنی هاشم شهادت خواهد داد. همه این شاهدان برای منفعت خود شهادت می دهند!!! او درباره ام ایمن اضافه کرد که او زنی غیر عرب است و با فصاحت نمی تواند شهادت دهد!!! امیرالمؤمنین فرمود: هر کس فاطمه و حسن و حسین را تکذیب کند پیامبر را تکذیب کرده است، و پیامبر درباره من فرمود: هر که تو را رد کند مرا رد کرده است، و ام ایمن کسی است که پیامبر برای، به بهشت شهادت داده است، و برای اسماء بنت عمیس و نسل او ادعا کرده است. عمر گفت: شما همانگونه هستید که توصیف نمودید، ولی شهادت کسی که به نفع خود شهادت می دهد قبول نمی شود! امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: اکنون که ما آن طور هستیم که خودتان می شناسید و منکر نیستید و در عین حال شهادت ما به نفع خودمان پذیرفته نیست و شهادت پیامبر هم قبول نیست پس انا الله و انا الیه راجعون! به زودی ظالمان خواهند دانست که به کجا باز می گردند. حضرت زهرا سلام الله علیها با حال غضب برخاست و فرمود: خدایا! این دو به حق دختر پیامبرت ظلم کردند. خدایا به شدت اینان را مأخوذ فرما و سپس حضرت زهرا سلام الله علیها مخزون و گریان از نزد بیرون آمد.

### نصرت طلبی حضرت زهرا و اهل بیت در سایه فدک

اقدامی که هیچکس - نه غاصبین و نه مردم - انتظارش را نداشتند این بود که امیرالمؤمنین علیه السلام تا چندین روز متوالی، هر روز حضرت زهرا سلام الله علیها را به همراه امام حسن و امام حسین علیه السلام سوار بر مرکبی می نمود و بر در خانه مهاجرین و انصار می برد. حضرت زهرا سلام الله علیها به آنان می فرمود: ای مهاجرین و انصار، خدا و دختر پیامبران را یاری کنید، شما روزی که با پیامبر بیعت کردید بر سر این بیعت کردید که از او و فرزندان او حمایت کنید و از آنان منع کنید آنچه از خود و فرزندان شما منع می کنید. بیایید و به بیعت خود نسبت به پیامبر وفا کنید. ولی کسی به حضرت جواب مثبت نداد.

### احتجاج خصوصی حضرت زهرا بر ابوبکر

بار دیگر امیرالمؤمنین علیه السلام به حضرت زهرا سلام الله علیها نزد ابوبکر برو و بگو: ادعای مقام پدرم و خلافت او را کرده ای و جای او نشسته اید؟ اگر فدک ملک تو هم بود و من از تو می خواستم که آن را به من ببخشی، بر تو واجب بود آن را به من بدهی. حضرت زهرا سلام الله علیها نزد ابوبکر آمد این مطالب را به او فرمود. ابوبکر گفت: راست می گویی. سپس ورقه ای خواست و بر آن نوشته ای مبنی بر بازگرداندن فدک نوشت. حضرت زهرا سلام الله علیها نوشته را برداشت و از نزد و از نزد ابوبکر بیرون آمد.

### پاره کردن سند فدک

عمر در راه حضرت را دید و گفت: ای دختر محمد! این نوشته چیست؟! فرمود: نوشته ای است که ابوبکر بعنوان باز پس دادن فدک نوشته است. گفت: آن را به من بده! حضرت خودداری کرد و آن را نداد. در اینجا عمر جسارتی کرد که صفحه تاریخ را سیاه نمود و سوز جانکاه آن برای همیشه دل محبان فاطمه علیه السلام را سوزاند. او با قساوت تمام در میان کوچه و رهگذر مردم به دختر پیامبر صلی الله علیه و آله اهانتی عظیم کرد و با پا به فاطمه سلام الله علیها زد، و به این اکتفا نکرد و سیلی به صورت مبارک آن حضرت زد و طوری که در اثر آن گوشواره حضرت شکست. سپس نوشته ابوبکر را به زور از دست حضرت گرفت و آب دهان بر آن انداخت و نوشته هایش را پاک کرد و آن را پاره نمود و گفت: این سرزمینی است که پدر تو هم با اسب و لشکر آنجا را فتح نکرده است! امیرالمؤمنین علیه السلام در خانه منتظر بود. وقتی حضرت زهرا سلام الله علیها پشت در آمد حضرت به استقبال

او رفت و فرمود: ای دختر پیامبر، چرا این گونه غضبناک هستی؟ حضرت زهرا سلام الله علیها جسارت عمر را بازگو کرد. امیرالمؤمنین علیه السلام با یک دنیا تأسف و غصه از چنین جسارتی به ساحت مقدس بانوی دو جهان، بعنوان شریک غم و تسلائی آن حضرت فرمود: آنچه نسبت به من و پدرت مرتکب شده اند از این بالاتر است.

### احتجاج مفصل امیرالمؤمنین با ابوبکر و عمر در مسجد

مرحله احتجاج آن بود که امیرالمؤمنین علیه السلام شخصا به مسجد آمد و در حضور مهاجرین و انصار که در اطراف ابوبکر نشسته بودند خطاب به ابوبکر فرمود: ای ابوبکر، چرا آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله برای فاطمه قرار داده بود از او منع نمودی، در حالی که نماینده او از چند سال قبل در آنجا بوده است؟! ابوبکر گفت: این غنیمت مسلمین است اگر شاهدان عادل بیایند به او می دهیم و گرنه در آن حقی ندارد. حضرت فرمود: ای ابوبکر، درباره ما حکمی می نمایی بر خلاف آنچه درباره مسلمانان حکم می نمایی؟ چرا از فاطمه شاهد می خواهی در حالی که فدک در دست راست اوست و در زمان حیات پیامبر و بعد از آن حضرت مالک آن بوده است؟ چرا از مسلمین شاهد نمی خواهید؟! ابوبکر ساکت شد، ولی عمر گفت: این غنیمت مسلمین است و ما با کلام تو نمی توانیم مقابله کنیم! اگر شاهدان عادل آوردی قبول می کنیم! امیرالمؤمنین علیه السلام آیه تطهیر را مطرح کرد و فرمود: آیا شهادت کسی را بر علیه فاطمه قبول می کنی؟ ابوبکر گفت آری؟ حضرت فرمود: پس کافری! زیرا شهادت خداوند را بر طهارت او رد کرده ای و شهادت مردم را بر علیه او قبول کرده ای. همچنین حکم خدا و رسول را رد کرده ای که فدک را برای فاطمه قرار دادند. همانطور که فرمان دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله را رد کرده ای که از مدعی علیه شاهد می خواهی! تو سخن خدا و رسول را رد کردی و گفته یک عرب بیابانی را پذیرفتی و فدک را از فاطمه گرفتی و گمان کردی غنیمت مسلمین است. در اینجا مردم به خشم آمدند و متوجه ظلم ابوبکر و عمر شدند و به یکدیگر نگاه کردند و گفتند: به خدا قسم علی راست می گوید... امیرالمؤمنین علیه السلام هم به خانه باز گشت.

### خطابه مفصل حضرت فاطمه زهرا در مسجد

در شرایطی که ابوبکر و عمر به همراه مهاجرین و انصار، مجلس مهمی در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله تشکیل داده بودند و مشغول قدرت نمایی در مقابل خانه فاطمه علیه السلام بودند که در فاصله چند قدمی آنان بود، ناگهان در خانه فاطمه سلام الله علیها باز شد و بانوی با عظمت اسلام در حالی که عده ای از زنان گرداگرد آن حضرت بودند وارد مسجد شده به سوی جمعیت پیش آمدند. دختر پیامبر سر مبارک را با پوشش کامل پوشانیده و لباس سراسری از روی لباسها پوشیده بود. از شدت غم و ناراحتی جسمی، قامت فاطمه سلام الله علیها راست نبود و لباس حضرت به زمین کشیده می شد و گاهی زیر پای مبارکش می رفت. با ورود بزرگ بانوی جهان فورا بین زنان و مردان پرده ای زده شد، و حضرت با زنان همراه در آن سوی پرده قرار گرفتند و روی زمین نشستند. ناگهان صدای فاطمه سلام الله علیها را شنیدند که آهی جانسوز کشید و همه مردم به گریه در آمدند و مجلس بر خود لرزید و همه منقلب شدند. شدت گریه به حدی بود که حضرت مدتی طولانی صبر کرد تا مردم ساکت شدند. حضرت خواست سخنان خود را آغاز که با شنیدن چند کلمه بار دیگر مردم به گریه در آمدند و حضرت آن قدر صبر کرد تا مردم کاملا آرام شدند و آنگاه سخنان خود را آغاز کرد. فاطمه زهرا سلام الله علیها پس از حمد و ثنای الهی و اقرار به وحدانیت خداوند و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و بیان حکمتهایی از خلقت و تکلیف بشر و ارسال انبیاء علیه السلام و خصوص نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله و سوابق مردم با قرآن و اهل بیت علیه السلام شدند. از یک سو سابقه مردم در کمک به دین خدا و از سوی دیگر وظیفه خطیر شان نسبت به آیندگان را متذکر شدند. همچنین عظمت قرآن و اهل بیت علیه السلام و ارتباط آن دو با یکدیگر را بیان کردند و سپس

شبهه ای از حکمت شرایع الهی را ذکر نمودند. پس از آن خود را معرفی کردند تا اهل مجلس و آینده تاریخ بدانند چه مقام معظمی با مردم سخن گفته است و سپس سوابق و زحمات طاقت فرسا و فداکارانه پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام در پرورش نهال اسلام را ذکر کردند. در اینجا سخن را به مطلب مورد نظر نزدیک کردند و ارتداد مردم پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و نادیده گرفتن گذشته‌ها را یاد آور شدند و اینکه آتش فتنه‌ها را بر علیه دین خدا و اهل بیت پیامبر علیه السلام شعله ور می نمایند. سپس مسئله فدک را بعنوان نمونه ای از آتشی بر انگیزخته آنان بر شمردند. در این قسمت از سخن آیاتی از قرآن درباره ارث و بخصوص ارث انبیاء به میان آوردند، و مسائلی را که به طور خصوصی با ابوبکر و عمر مطرح کرده بودند این بار در حضور مردم به طور مفصل تر و علنی تر بیان کردند. سپس خطاب به قبر پیامبر صلی الله علیه و آله از غاصبین و مردمی که موید آنان بودند شکایت بردند و این شکوه را در قالب اشعاری بیان کردند. آنگاه خطاب را متوجه نمودند و با یاد آوری گذشته آنان در اطاعت از اوامر پیامبر صلی الله علیه و آله و یاری دین خدا، تعجب خود را از بی توجهی آنان نسبت به احقاق حق دختر پیامبر صلی الله علیه و آله بیان کردند که حتی پس از داد خواهی و فریاد کمک طلبی کسی اعتنا نمی کند! ابوبکر از فرصت استفاده کرد و در سخنانی کوتاه حدیث جعلی خود را مبتنی بر ارث نبردن از انبیا مطرح کرد و اشاره کرد که من غضب فدک را با مشورت و توافق مسلمین انجام داده ام. حضرت زهرا سلام الله علیها ضمن اینکه ساحت پیامبر صلی الله علیه و آله را از مخالفت قرآن منزّه دانستند، آیات صریح ارث انبیا علیه السلام را مطرح کردند و ثابت کردند که هیچ استثنای در مسئله ارث برای هیچ کس وجود ندارد. این بار ابوبکر اقرار کرد که از جوانب عاجزم و فقط مسلمین را بین خود و تو قرار می دهم. اینجا بود که حضرت زهرا سلام الله علیها خطاب را متوجه مسلمین نمودند و به شدت آنان را که به سوی سخن باطل روی آورده بودند مورد مواخذه قرار دادند و به عذاب بشارت دادند و اشاره کردند که اگر مردم هم به آن راضی نباشند خدا راضی است. در اینجا سخنان حضرت پایان یافت و در راه بازگشت به خانه، رافع بن رفاعه به آن حضرت گفت: چرا علی قبلا ما را آگاه نکرد تا در خلافت با دیگری بیعت نکنیم و کار به اینجا نرسد؟! حضرت با غضب به او فرمود: پس از واقعه غدیر برای احدی عذری باقی نمانده است. ام سلمه نیز سر از حجره اش بیرون کرد و با خطاب توییح آمیز به مردمی که خطاب به حضرت زهرا سلام الله علیها را بدون نتیجه خاصی به پایان برده بودند گفت: آیا با مثل فاطمه این گونه برخورد می شود؟ آیا شما آمده اید به فاطمه سلام الله علیها حکم دینش را یاد دهید؟ آیا مثل فاطمه سلام الله علیها آنچه حقتش نباشد طلب می کند؟ آیا عنایت خاص پیامبر علیه السلام نسبت به او فراموش کرده اید؟

### سخنان حضرت زهرا برای زنان عیادت کننده

اولین اثر خطابه حضرت زهرا سلام الله علیها آن بود که زنان مهاجر و انصار بعد از مدتی که هیچ یادی از یادگار پیامبر صلی الله علیه و آله نکرده بودند به عیادت حضرت آمدند و گفتند: ای دختر پیامبر، حالتان چگونه است؟ حضرت فرمود: از دنیایی که با شما باشم متنفرم و آن را رها کرده ام، و نسبت به مردان شما غضبناکم. آنگاه از آنان پرسید: از علی چه چیزی را نپسندیدند؟ اگر خلافت را به دست او سپرده بودند به بهترین وجهی آن را اداره می کرد و برکات آسمان و زمین بر آنان نازل می شد. سپس فرمود: هم اکنون باردار شده و پس از زمان کوتاهی ثمره اش ظاهر می گردد و از آن خون و سم کشنده می دوشید. زنان عیادت کننده فرمایشات حضرت زهرا سلام الله علیها را برای مردان خود باز گو کردند. پیرو آن عده ای از بزرگان مهاجرین و انصار بعنوان عذر خواهی نزد حضرت آمدند و به خیال خود عذری تراشیدند و گفتند: ای سیده النساء، اگر علی قبل از بیعت این مسئله را یاد آور می شد سراغ دیگری نمی رفتیم! حضرت زهرا سلام الله علیها فرمود: از من دور شوید، که با بهانه های بیهودتان عذر شما پذیرفته نیست و با کوتاهی های شما جای هیچ سخنی باقی نمانده است!



## نامه امیرالمؤمنین به ابوبکر درباره غضب فدک

در حالی که غاصبین مشغول قدرت نمایی بودند امیرالمؤمنین علیه السلام نامه ای به مضامین عالی برای ابوبکر نوشت. این نامه از حضرت هنگامی نوشت که ابوبکر پس از تثبیت غضب فدک بر فراز منبر با اظهار قدرت سخنان ناروایی نسبت به مقام شامخ ولایت بر زبان راند. فرازهایی از نامه حضرت چنین بود: میراث پاکان ابرار را برای خود قسمت کردند و با غضب بخشوده پیامبر صلی الله علیه و آله (یعنی فدک) سنگینی وزر وبال آن را بر خود خریدند. تا آنجا که مرا می شناسید هلاک کننده لشکرها و نابود کننده جنگجویان و از بین برنده بزرگانستان و خاموش کننده غائله هاتان و قاتل شجاعانتان بوده ام. در زمانهایی که شما در خانه هایتان نشسته بودید. نخواستید خلافت و نبوت در ما باشد چرا که کینه های بدر و خونهای احد را به یاد آوردید! منم آنکه زنگار ناراحتی ها را از روی بهترین خلائق (یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله) می زدودم. آرام باشید، به زودی گرد و غبار می نشیند و ثمره سمی قاتل خواهید یافت. خداوند برای قضاوت ما و پیامبر بعنوان خصم شما و قیامت برای محل مخاصمه کافی است.

### سخنرانی ابوبکر درباره توافق مردم بر غضب فدک

وقتی ابوبکر نامه را خواند وحشت و رعب شدیدی او را گرفت و گفت: عجیب است! چه جرأتی نسبت به من دارد که دیگری ندارد؟! سپس دستور داد تا مردم جمع شوند و بر ایشان سخنرانی کرد و ضمن آن اقدامات خود را به اتفاق و توافق مردم نسبت داد و چنین گفت: ای مهاجرین و انصار، می دانید که من درباره باغهای فدک بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله با شما مشورت کردم و شما گفتید: پیامبران ارث نمی گذارند، و این اموال فدک باید به غنیمت ها اضافه شود! ما هم این نظر شما را به اجرا گذاشتیم، ولی مدعی آن این مطلب را نمی پذیرد. این مدعی فدک است که می ترساند و تهدید می کند و به جان پیامبرش قسم یاد می کند که آن را با خون کشنده بیالاید. به خدا قسم من خلافت را باز پس دام ولی مورد قبول واقع نشد!! همه اینها برای احتراز از کراهت فرزند ابوطالب و فرار از درگیری با او بود. مرا با فرزند ابوطالب چه کار است؟ آیا کسی با او به منازعه پرداخته که بر او غالب شود؟! پس از این سخنرانی، عمر که احساس ضعف در سخنان ابوبکر را به خوبی متوجه شده بود در مجلس مشورت به او گفت: تو فقط این گونه سخن می گویی. سبحان الله! چه قلب وحشت زده ای پیدا کرده ای و نفست بی تحمل شده است! من گردنهای عرب را برای تو خم کردم، و حکومت شوری را برایت تثبیت نمودم. اگر چنین نبود پسر ابوطالب استخوانهایت را آرد می کرد! خدا را شکر کن که من در کنار تو هستم! ابوبکر گفت: ای عمر، تو را به خدا سوگند می دهم که مرا از مغلظه ها و مانع سازیهای خود رها کنی. به خدا سوگند اگر او بخواهد من و تو را بکشد با دست چپش می کشد و نیازی به دست راست ندارد!

### سخنان ابوبکر در تهدید و تطمیع مهاجرین و انصار

غاصبین فدک با تخریب زمینه های اجتماعی به دست خود، احساس خطر جدی کردند و چاره نهایی را در تهدید و ارباب دیدند که در ضمن آن تطمیعیهای هم به چشم می خورد. ابوبکر بر منبر رفت و مردم به مخاطب قرار داد و گفت: ای مردم، این چه گونه فرادادن به هر سخنی است؟ این آرزوها در زمان پیامبر کجا بود؟! از ضعیفان کمک می گیرید و زنان را به یاری می طلبید سپس رو به انصار کرد و گفت: این انصار، سفیهان شما به من رسیده است و این در حالی است که شما سزاوارترین مردم به حفظ عهد پیامبرید. بدانید که من نسبت به کسی که مستحق مجازات نباشد دست و زبان باز نخواهم کرد. ابوبکر در پایان تهدیداتش وارد جنبه تطمیع مردم شد و برای خریداری فکر مردم گفت: بعد از همه اینها، فردا صبح همه گرفتن سهمیه های خود از بیت المال بیاید، و این آخرین راه مؤثر بود که برای روز مبادا ذخیره کرده بودند.

## آخرین سخنان حضرت زهرا در رابطه با فدک

در آخرین روزهای عمر حضرت، یکی از زنان طرفدار سقیفه بعنوان عیادت نزد حضرت آمد. حضرت بعنوان آخرین سخنی که درباره فدک بر زبان آورد به او فرمود: آنگاه که پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا رفت ابوبکر و عمر با جرأت تمام فدک را گرفتند. فدک اعطایی پروردگار به پیامبر بود که آن را برای قوت فرزندان از نسل او و خودم به من بخشیده بود. این مطلب را خدا می دانست و امین او شاهد بود. من صبر بر این ظلم را باعث تقرب به درگاه الهی در روز قیامت می دانم، و خوردگان آن به ظلم، آن را شعله ور کننده حمیم در شعله های جهنم خواهند یافت. این بود داستان سرزمینی که در یک روز شیرین به امر خداوند تعالی و به دست پیامبر صلی الله علیه و آله به بانوی بانوان جهان تقدیم شد، و چهار سال در اوج شادمانی در آمد آن صرف مستمندان گردید و چشمان بسیاری از نیازمندان منتظر رسیدن در آمد فدک بود تا از بخشش فاطمه سلام الله علیها زندگی خود را سامانی بخشند. تا آنگاه که به فاصله ده روز از رحلت بخشنده فدک، یادگاری پیامبر صلی الله علیه و آله را به عجله از دست یادگار پیامبر صلی الله علیه و آله بیرون آوردند و شیرینی گذشته را به کام فاطمه سلام الله علیها و شیعیانش تلخ کردند و اشک شیعیان را تا آخر روزگار بر مظلومیت صاحب فدک حضرت زهرا سلام الله علیها جاری ساختند. اکنون فدک بعنوان شاهدهی محکم در دست شیعیان حضرت زهرا سلام الله علیها است که با پیمودن قرنهای خود را به مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله می رسانند و ندای جانسوز و آه دل شکسته یادگار وحی را پاسخ مثبت می دهند. فاطمه سلام الله علیها این مدرک قوی را به دست دوستان خود سپرده، تا در هر کجا و هر زمان نشان دهند که نسبت به مقام عصمت کبری بی تفاوت نیستند. این سند محکم به طور علنی بر همگان روشن ساخت که صاحب مقام رضی فاطمه رضی الله و آنکه غضب او غضب پروردگار است، بر چه کسانی غضب کرد و آنان چگونه نارضایتی او را فراهم آوردند و عکس العمل حضرت در برابر آنان چه بود. سیده زنان جهان، در عمر خود یک بار خطابه ایراد نموده و مخاطب او تمامی نسلهای آینده اند. دریای معارف اعتقادی که بانوی علم در این خطبه بلند برای انسانیت ارائه فرموده، بزرگان علم را به شرح و تبیینش واداشته و بحری عمیق است که کسی نتوانسته به منتهایش دست یابد. ما را نیز در این مختصر، جز مطالعه متن آن مجال بیشتری نیست. در انتظار آخرین وارث زهرا سلام الله علیها روز شماری می کنیم تا بیاید و زربفت سخن مادر از چنان باز نماید که چشمها را جلا دهد و قلبها را از این گنج دست ناخورده نورانی فرماید.

## متن عربی و ترجمه فارسی خطبه حضرت زهرا در ماجرای فدک

### الزهراء تاتی المسجد

#### اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم لما اجمع ابوبکر علی منع فاطمه سلام الله علیها فدک و صرف عاملها منها و بلغها ذلك، لاثت خمارها علی راسها و اشتملت بجلبابها و اقبلت فی لمة من حفدتها و نساء قومها، تجر ادراعها، تطأ ذیولها، ما تخرم مشیتها مشیه رسول الله صلی الله علیه و آله. حتی دخلت علی ابی بکر المسجد و هو فی حشد من المهاجرین و الانصار و غیرهم. فنیطت دونها و دون الناس ملأه فجلست. ثم انت انه ارتجت لها القلوب و ذرفت لها العیون و اجهش القوم لها بالبكاء و النحیب، فارتج المجلس. ثم امهلت هنیه حتی اذا سکن تشیح القوم و هدات فورتهم افتتحت الکلام بحمد الله و الثناء علیه و الصلاه علی رسوله، فعاد القوم فی بکائهم. فلما امسکوا عادت علیه السلام فی کلامها فقالت:

### حضرت زهرا به مسجد می آید

بسم الله الرحمن الرحيم هنگامی که ابوبکر تصمیم نهایی خود را در مورد غصب فدک از حضرت زهرا سلام الله علیها گرفت و نماینده حضرت را از آنجا اخراج نمود و از این اخبار به آن حضرت رسید، سر مبارک را پوشانیدند و پوشش کامل بر تن نمودند و همراه عده ای زنان خدمتگذار و بانوان خویشاوندانشان، برای اعتراض به ابوبکر به راه افتادند. هنگام راه رفتن لباس حضرت به زمین کشیده می شد و پایین لباس زیر پایشان می رفت، و راه رفتشان چنان بود که گویا پیامبر صلی الله علیه و آله راه می روند. ابوبکر با عده زیادی از مهاجرین و انصار و دیگر افراد در مسجد نشسته بودند که حضرت وارد شدند، و با آمدن حضرت پرده ای بین ایشان و مردم آویخته شد. حضرت زهرا سلام الله علیها نشستند و چنان از سوز دل ناله زدند که قلبها لرزه در آمد و اشکها جاری شد و مردم را به گریه و ضجه واداشتند و مجلس را منقلب کردند. سپس لحظه ای درنگ نمودند تا صدای ناله های مردم خاموش گردید و از جوش و خروش افتاد. با آرمش مجلس، حضرت صحبت خود را با حمد و ثنای الهی و درود بر پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز نمود، مردم با شنیدن کلام آن حضرت بار دیگر شروع به گریه کردند، و حضرت برای بار دوم سکوت کردند، و هنگامی که مردم آرام گرفتند صحبت خود را از سر گرفتند و چنین فرمودند:

## الحمد و الثناء

### اشاره

ابتداء بحمد من هو اولی بالحمد و الطول و المجد. الحمد لله علی ما انعم، و له الشکر علی ما لهم، و اثناء بما قدم من عموم نعم ابتداها، و سبوغ آلاء اسدادها، و احسان منن والاها. احمده بمحامد جم عن الاحصاء عددها، و نای عن المجازاه امدها، و تفاوت عن الادراک ابدها، و ندبهم لا ستزادتها بالشکر لاتصالها، و استخذی الخلق بانزالها، و استحمد الی الخلائق باجزالها، و ثنی بالندب الی امثالها. و اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له، کلمه جعل الاخلاص تأویلها، و ضمن القلوب موصولها، و ابان فی الفکر معقولها. الممتنع من الابصار روینه، و من الالسن صفته، و من الاوهام الا حاطه به. ابتدع الاشیاء لا من شیء کان قبلها، و انشأها بلا احتذاء امثله امثلها. کونها بقدرته و ذراها بمشیته، من غیر حاجه منه الی تکوینها و لا فائده له فی تصویرها الا تثبیتا لحکمته، و تنبیها علی طاعنه، و اظهارا لقدرته، و دلالة علی ربوبیته و تعبدا لبریته، و اعزازا لدعوته. ثم جعل الثواب علی طاعته، و وضع العقاب علی معصیته، زیاده لعباده عن نعمته و حیاشه لهم الی جنته.

### حمد و ثنا

کلام خود را آغاز می کنم با حمد و سپاس خدایی که به ستایش و فضل عزت و رفعت از همه کس سزاوارتر است. سپاس خداوند را بر نعمتهایی که عطا فرموده، و تشکر از او بر آنچه الهام فرموده، و ثنا بر نعمتهای گسترده ای که ابتداء عنایت نموده و نعمتهای فراوانی که عطا فرموده و تفضلات پی در پی که مرحمت کرده است. او را سپاس می گویم با حمدهای بی پایانی که از حد شمارش بیرون است، و قدرت بر شکر همه آنها نیست، و نهایت آنها قابل درک نخواهد بود. نعمتهایی که خداوند برای ازدیاد و دوام آنها ما را دعوت به شکرگزاری نموده، و بندگانش را بر فرستادن آنها مطیع خود گردانیده، و برای کامل نمودن بخششهایش از آنان حمد و ستایش خود را خواسته، و در کنار آن به طلب چنین نعمتهایی امر فرموده است. گواهی می دهم که معبودی غیر الله نیست. تنها او معبود است و شریکی ندارد. کلمه ای است که تأویل آن اخلاص است و متضمن رساندن قلوب به اعتقاد وحدانیت خداست، و آنچه را که عقل به آن پی می برد در اندیشه ها ظاهر نموده است. خداوندی که امکان دیدنش و قدرت توصیف او برای کسی نیست، و به خیال کسی نمی گنجد. خداوندی که تمام اشیا را بدون آنکه چیزی قبل از آنان باشد بوجود آورده، و بی

آنکه از نمونه‌هایی برای خلقت پیروی کرده باشد آنان را آفریده است. با قدرتش به آنان وجود داده و با اراده خود آنان را خلق فرموده، بدون آنکه نیازی به خلقت آنان داشته باشد یا فائده‌ای به او عائد شود. بلکه علت در خلقت آن است که حکمت خود را بر ما سواش معلوم نماید. و آنان را به اطاعت خود متوجه کند و قدرت خویش را به ظهور برساند، و دلالت بر ربوبیتش نماید و خلق را به عبادت خود بخواند و به دعوت خود عزت و غلبه بخشد. همچنین برای دوری آنان از عذابش و سوق آنان به بهشتش ثواب را بر اطاعت خود و عذاب را بر معصیتش قرار داده است.

## بعثه الرسول الاعظم و مسیر الرساله

### اشاره

و اشهد ان ابی محمدا عبده و رسوله، اختاره قبل ان یجتبله، و اصطفاه قبل ان یتبعته، و سماه قبل ان یستنجه، اذ الخلاق بالغیب مکنونه، و بستر الاهاویل مصونه، و بنهایه العدم مقرونه، علما من الله تعالی بمائل الامور، و احاطه بحوادث الدهور، و معرفه بمواقع المقدور. ابتعته الله تماما لامره، و عزمته علی امضاء حکمه، و انفاذا لمقادیر حتمه. فرای الاسم فرقا فی ادیانها، عکفا علی نیرانها، عابده لاوثانها، منکره لله مع عرفانها. فانار الله بابی محمد صلی الله علیه و آله ظلمها، و فرج عن القلوب بهمها، و جلا عن الابصار عمها، و عن الانفس غمها. و قال فی الناس بالهدایه فانقذهم من الغوایه، و بصرهم من العمایه، و هداهم الی الدین القویم، و دعاهم الی الطریق المستقیم. ثم قبضه الله عز و جل الیه قبض رافه و رحمه و اختیار، رغبه بمحمد عن تعب هذه الدار، موضوعا عنه اعباء الاوزار، محفوبا بالملائکه الابرار، و رضوان الرب الغفار، و مجاوره الملك الجبار. صلی الله علی ابی نبیه و امینه الوحی و صفیه و خیریه من الخلق و رضیه، فعليه الصلاه و السلام و رحمه الله و برکاته.

## بعثت پیامبر و مسیر رسالت

و گواهی می‌دهم که پدرم حضرت محمد بنده و فرستاده اوست، که خداوند او را قبل از خلقتش اختیار نمود، و قبل از بعثتش او را برگزیده، و پیش از انتخابش نام او را معرفی کرد. این انتخاب هنگامی بود که مردم در مخفیگاه غیب پنهان بودند و در پس پرده‌های هولناک مستور و به نهایت عدم مقرون بودند. علت این اختیار آن است که خداوند به سرانجام کارها آگاه و به حوادث روزگار احاطه دارد، و به زمان وقوع مقدرات عارف است. برای اتمام امر خود او را مبعوث گردانید، و به قصد اجرای احکام خود او را برانگیخت، و برای انفاذ مقررات حتمی خود او را به پیامبری اختیار نمود. آن حضرت مردم را دید که هر گروهی دارای دین مخصوص به خود است، و به آتشیهای افروخته خود روی آورده و بتان خود را پرستش می‌نمایند، و با آنکه فطرتا معرفت خدا را دارند ولی منکر او هستند. آنگاه خداوند متعال به برکت پدرم حضرت محمد صلی الله علیه و آله ظلمت‌ها را به نورانیت مبدل ساخت، و از قلبها قساوت را بر طرف نمود، و از دیده‌ها تحیر را زایل کرد، و مطالب مبهم را برای همگان روشن نمود. آن حضرت دعوت الهی خود را با هدف هدایت مردم آغاز کرد و آنان را از گمراهی نجات داد، و از لجاجتها آگاهی بخشید، و آنان را به دینی محکم هدایت نمود، و به راه مستقیم فرا خواند. سپس خداوند عز و جل او را با رأفت و رحمت و اختیار به سوی خود خواند تا او را از خستگی این دنیا آسوده گرداند و سنگینی بار ناملازمات را از او بردارد، و او را در احاطه ملائکه ابرار و رضوان پروردگار غفار و مجاورت ملک جبار قرار دهد. درود خدا بر پدرم پیام آور و امین وحی خدا و برگزیده و منتخب از خلق و مرضی او. درود و سلام و رحمت و برکات الهی بر او باد.

## خطابها مع المهاجرین و الانصار

## اشاره

ثم التفتت عليه السلام الى اهل المجلس لجميع المهاجرين و الانصار: و انتم عباد الله امره و نهيه، و حمله دينه و وحيه، و امناء الله على انفسكم، و بلغاوه الى الامم حولكم. زعيم حق لله فيكم، و عهد قدمه اليكم.

## خطاب حضرت به مهاجرين و انصار

آنگاه حضرت زهرا سلام الله عليها متوجه اهل مجلس شدند، و خطاب به تمام مهاجرين و انصار فرمودند: شما بندگان خدا پرچم و علم امر و نهی الهی، و در بر دارنده دین و وحی او و پاسداران خدا بر خود، و رساننده احکام الهی به دیگر امتهایی هستید که در اطراف شمايند. در بين شما شخصی است که استحقاق زعامت دارد، و او کسی است که قبلا در مورد اطاعت او متعهد شده ايد.

## القرآن و اهل البيت

### اشاره

و نحن بقيه استخلفها عليكم، و معنان كتاب الله الناطق و القرآن الصادق و النور الساطع و الضياء اللامع، بينه بصائره، و آي منكشفه سرائره، و برهان فينا متجليه ظواهره، مديم للبريه استماعه، معتبطه به اشياعه، قائد الى الرضوان اتباعه، مود الى النجاه استماعه. فيه تبيان حجج الله المنوره، و مواعظه المكرره، و عزائمه المفسره و محارمه المخذره، و احكامه الكافيه، و بيناته الجاليه، و جمله الشافيه، و فضائله المندوبه، و رخصه الموهوبه، و رحمته المرجوه، و شرائعه المكتوبه.

### قرآن و اهل بيت

و ما يادگارانی هستیم که خداوند ما را نمایندگان خود بر شما قرار داده، و به همراه ما کتاب ناطق الهی و قرآن صادق نور تابناک و شعاع درخشنده ای است که دلیلهای آن روشن و اسرار آیاتش ظاهر است، و با ما دلیل و برهانی است که ظواهرش متجلی و استماع آن برای مردم همیشگی است (و ملال آور نیست). پیروان او به خاطر آن مورد رشک دیگران هستند، و تبعیت او بشر را به رضوان خدا سوق می دهد، و گوش دادن به آن نجات را به دنبال می آورد. در اوست بیان دلیلهای نورانی الهی، و پنندهای مکرر خداوند، و واجباتی که تبیین شده و محرماتی که از آن منع گردیده، و احکامی که کافی است و ادله ای که روشن است و کلماتی که شفافبخش است، و فضایی که بدان دعوت شده، و اموری که اجازه انجام آن داده شده، و رحمتی که امید آن می رود، و قوانینی که واجب شده است.

## اسرار احکام الله

### اشاره

ففرض الله الايمان تطهيرا لكم من الشرك، و الصلاه تنزيها لكم عن الكبر، و الزكاه تزكيه للنفس و تزويدا في الرزق، و الصيام تثبيتا للاخلاص، و الحج تشييدا للدين و احياء للسنن و اعلانا للشريعه و العدل تنسيقا للقلوب و تمكينا للدين، و طاعتنا اهل البيت نظامت للمله، و امامته امانا من الفرقة، و الجهاد عزالاسلام، و الصبر معونه على استيجاب الاجر، و الامر بالمعروف مصلحه للعامة، و النهي عن المنكر تنزيها للدين، و بر الوالدين وقايه من السخط، و صله الارحام منسأه في العمر و نماء للعدد، و القصاص حقتا للدماء، و

الوفاء بالنذر تعريضا للمغفرة، و توفيه المكاييل و الموازين تغييرا للبخس، و النهى عن شرب الخمر تنزيها عن الرجس، و اجتناب قذف المحصنات حجابا للعنه، و مجانبه السرقة ايجابا للعفه، و التنزه عن اكل مال اليتيم و الاستيثار به اجاره من الظلم، و النهى عن الزنا تحصنا من المقت، و العدل فى الاحكام ايناسا للرعيه و ترك الجور فى الحكم اثباتا للوعيد، و حرم الله الشرك اخلاصا له بالربوبيه. فاتقوا الله حق تقاع و لاتمتن الا و انتم مسلمون و لا تتولوا مدبرين، و اطيعوا فيما امركم به و انتهوا عما نهاكم عنه، و اتبعوا العلم و تمسكوا به فانما يخشى الله من عباده العلماء. فاحمدوا الله الذى بعظمته و نوره ابتغى من فى السماوات و من فى الارض اليه الوسيله، فنحن و سيلته فى خلفه و نحن آل رسوله و نحن خاصته و محل قدسه و نحن حجه غيبه و ورثه انبيائه.

### حکمت دستورات الهی

پس خداوند ایمان را برای طهارت شما از شرک قرار داده، و نماز را دوری از کبر، زکات را صفای روح و زیادی در روزی، و روزه را تحکیم اخلاص، و حج را بلندی و رفعت دین و احیای سنتها و اعلان شریعت، و عدالت را نظام قلبها و قبولی دین، و اطاعت ما اهل بیت را موجب نظام داشتن ملت، و امامت ما را امان از تفرقه و جدایی. و جهاد را عزت اسلام، و صبر را کمکی بر استحقاق اجر، و امر به معروف را باعث مصلحت عمومی، و نهی از منکر را برای تنزیه دین، و نیکی به والدین را حفظ از نارضایتی، و صلہ ارحام را مایه طولانی شدن عمر و کثرت افراد یکدل، و قصاص را حفظ خونها، و وفای به نذر را روزنه ای برای بخشش گناهان، و کامل نمودن کیل و وزن را برای حفظ اموال از نقص و ضرر، و نهی از نوشیدن شراب را دوری از پلیدی، و پرهیز از نسبت ناروا به بانوان عقیفه را مانع از لعنت، و دوری از دزدی را سبب جلوگیری از اعمال زشت، و نخوردن مال یتیم و برنداشتن آن را پناهی از ظلم، و نهی از زنا را حفظ از غضب الهی، و عدالت در احکام را مایه دلگرمی مردم، و ظلم نمودن در حکم را برای ترس از حق قرار داده، و برای اخلاص در قبول ربوبیت خود شرک را حرام نموده است. پس تقوای الهی را در بالاترین درجه پیشه خود نمایید، و در حالی از این دنیا بروید که مسلمان باشید، و از فرامین خدا روی برنگردانید، و آنچه امر فرموده اطاعت کنید و از آنچه نهی فرموده خودداری کنید، و پیرو علم باشید و بدان تمسک کنید که فقط آگاه از خدا می ترسند. پس حمد و ثنای خدایی را به جا آورید که با عظمت و نورش تمام اهل آسمان و زمین در جستجوی وسیله ای به سوی اویند. و ما آن وسیله الهی در خلقتش هستیم، و ما آل رسول خداییم، و ما مقربان درگاه خدا، و جایگاه قدس او، و حجت غیبی الهی و وارث انبیای اویم.

### اعلموا انی فاطمه

#### اشاره

ثم قالت عليه السلام: ايها الناس، اعلموا اني فاطمه و ابى محمد رسول ربكم و خاتم انبيائكم! اقولها عودا على بدء، و لا اقول ما اقول غلطا و لا افعال ما افعال شطا و ما انا من الكاذبين، فاسمعوا الى باسماع واعيه و قلوب راعيه.

#### بدانید من فاطمه هستم

سپس فرمود: ای مردم بدانید من فاطمه ام، و پدرم محمد فرستاده پروردگارتان و خاتم پیامبرانتان است. کلام اول و آخر من این است، و در این مطلب اشتباه نمی کنم و آنچه انجام می دهم گزاف نیست و سخن به دروغ نمی گویم. پس با گوشهای شنوا و قلبهای آگاه سخن مرا بشنوید.

### مسیرة الرسالة المحمدية

## اشاره

ثم قالت: بسم الله الرحمن الرحيم، لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالمومنين رووف رحيم. فان تعزوه و تعرفوه تجدوه ابى دون نساءكم! و اخا ابن عمى دون رجالكم! و لنعم المعزى اليه. فبلغ الرساله صادعا بالنداره، مائلا عن مدرجه المشركين، حائدا عن سنتهم، ضاربا لثبجهم، آخذا باكظامهم، داعيا الى سبيل ربه بالحكمه و الموعظه الحسنه. يجد الاصنام و ينكت الهام، حتى انهزم الجمع و لوا الدبر، و حتى تفرى الليل عن صبحه و اسفر الحق عن محضه، و نطق زعيم الدين، و هدأت فوره الكفر، خرس شقاشق الشياطين، و طاع و شيط النفاق، و انحلت عقد الكفر و الشقاق، و فهتم بكلمه الاخلاص فى نفر من البيض الخماص. و كنتم على شفا حفره من النار فانقذكم منها نبيه، تعبدون الاصنام و تستقسمون بالازلام، مذقه الشارب و نهزه الطامع و قسه العجلان و موطى الاقدام. تشربون الطرق و تقتاتون القد، اذله خاشعين، تخافون ان يتخطفكم الناس من حولكم.

## سیر رسالت پیامبر

آنگاه فرمود: بسم الله الرحمن الرحيم، فرستاده خدا نزد شما آمد که از شما بود و تحمل مشقت شما بر او دشوار بود و او نسبت به هدایت شما بسیار پافشاری داشت و نسبت به مومنین با رحمت و رأفت بود. اگر در حسب و نسب او نظر کنید و او را بشناسید می یابید که در بین تمام زنان او تنها پدر من است، و در بین تمام مردان او تنها برادر پسر عموی من (علی علیه السلام) است و چه خوب انتسابی است. او رسالت الهی خود را به انجام رسانید و امور باعث عذاب پرودگار را معرفی نمود، و از راه و روش مشرکان روی گردانید و از سنت جاهلی آنان اعراض نمود. کمر آنان را در راه رسالتش شکست، و گلوی آنان را فشرد، و مردم را با حکمت و پند نیکو به راه خدا دعوت نمود. بتان را شکست و سرهای گردنکشان را به خاک افکند، تا آنکه اجتماع آنان را از هم پاشید و آنان را از صحنه پشت نمودند، و نور صبح هدایت ظلمت شرک را شکافت و پرده از حق برداشته شد. زعيم دینی گوینده شد، و آتش کفر خاموش گردید، و زبانش شیاطین لال شد و پست فطرتان منافق هلاک شدند، و گره های کفر و خلاف از هم گشوده شد، و شما به کلمه اخلاص تکلم نمودید با عده ای از پاکان که عقیف بودند. شما بر لبه پرتگاه آتش قرار داشتید که پیامبر الهی شما را نجات داد. کسانی بودید که بتان را می پرستیدید، و قمار بازی می کردید، چنان خوار بودید که جرعه هر نوشنده، و شکار هر طمعکار، و همچون آتشگیره ای بودید که بردارنده آن زیاد توقف نمی کند، و زیر قدمهای دیگران قرار داشتید. آب آشامیدنی شما آب کدر، و خوراک شما پوست دباغی نشده بود. می ترشیدید که مردم از اطرافتان ناگهان بر شما حمله کنند.

## علی فی ابلاغ الرساله الالهيه

## اشاره

فانقذكم الله تبارك و تعالى بنبيه محمد صلى الله عليه و آله، بعد اللتيا و التى، و بعد ان منى بهم الرجال و ذويان العرب و مرده اهل الكتاب. كلما او قدوا نارا للحرب اطفاهها الله، او نجم قرن الضلاله او فغرت فاغره من المشركين قذف اخاه عليا فى لهواتها، فلاينكفى حتى يطا صماخها باخمصه، و يخمد لهبها بخد سيفه، مكدودا دووبا فى ذات الله مجتهدا فى امر الله قريبا من رسول الله سيدا فى اولياء الله، مشمرا ناصحا مجدا كادحا، لا تاخذه فى الله لومه الاثم. و انتم فى بلهنيه وادعون آمنوا فرحون، و فى رفاهيه من العيش فكهون، تاكولون العفو و تشربون الصفو، تتربصون بنا الدوائر، و تتكفون الاخبار، و تنكصون عند النزال، و تفرون عند القتال.

## علی در تبلیغ رسالت

تا آنکه خداوند تبارک و تعالی به برکت پیامبرش حضرت محمد صلی الله علیه و آله شما را بعد از این همه سختیها نجات داد، و بعد از آنکه او آنکه او گرفتار پهلوانان کفار و گرگان عرب و گردنکشان اهل کتاب گردید. هرگاه که آتش جنگ را می افروختند خداوند آن را خاموش می نمود و هر زمان که قدرت پیروان ضلالت ظاهر می شد یا دشمنان مشرک دهان خود را برای از بین بردن شما باز می کردند برادرش علی را برای نابودی آنان به عمق دهانشان می افکند. او هم تا گوشهای آنان را پایمال نمی کرد، و آتش آنان را با تیزی شمشیرش خاموش نمی نمود باز نمی گشت. او (علی علیه السلام) کسی بود که در راه خدا سختی و مشکلات را تحمل می کرد و استقامت از خود نشان می داد، و نزدیکترین اشخاص به پیامبر و سرور اولیای خدا بود. در راه خدا سرزنش ملامت کنندگان تأثیری در او نداشت و این در حالی بود که شما در زندگی راحت و در کمال آرامش و امنیت و نشاط بودید، و در رفاه زندگی خوشی را می گذرانیدید. غذای لذیذ می خوردید و آب زلال می نوشیدید و انتظار رسیدن بلاها را بر ما داشتید و منتظر شنیدن اخبار آن بودید! و چون جنگی شدت می گرفت خود را کنار می کشیدید، و هنگام کارزار فرار می کردید.

### ما أظهره الناس بعد وفاه صاحب الرساله

#### اشاره

فلما اختار الله لنبیه دار انبیائه و ماوی اصفیائه و اتم علیه ما وعده، ظهرت فیکم حسیکه النفاق و سمل جلبات الدین و اخلق ثوبه و نحل عظمه و اودت رتمه و نطق کاظم الغاوین و تبغ حامل الاقلین و هدر فنیق المبطلین، فخطر فی عرصاتکم. و اطلع الشیطان راسه من معرزه هاتفا بکم. فدعاکم فالفاکم لدعوته مستجبین و للغره فیه ملاحظین. ثم استنهضکم فوجدکم ناهضین خفافا، و احمشکم فالفاکم غضابا، فوسمتم غیر ابلکم و اوردتموها غیر شربکم. هذا و العهد قریب و الکلم رحیب و الجرح یندمل و الرسول لما یقبر. بدارا زعتم خوف الفتنه! الا فی الفتنه سقطوا، و ان جهنم لمحیط بالکافرین. فهیهات منکم و کیف بکم و انی توفکون!؟ و کتاب الله بین اظهرکم. اموره ظاهره و احکامه زاهره و اعلامه باهره و زواجره لائحہ و اوامره واضحه، قد خلفتموه وراء ظهورکم. ارغبه - و یحکم - عنه تریدون ام بغیره تحکمون؟ بئس الظالمین بدلا. و من یتبع غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه و هو فی الاخره من الخاسرین. ثم لم تلبثوا الا ریث ان تسکن نفرتها و یسلس قیادها، ثم اخذتم توروب و قدتها و تهیجون جمرتها و تستجیبون لهتاف الشیطان الغوی و اطفاء انوار الدین الجلی و اهمال سنن النبی الصفی. تشریبون حسوا فی ارتغاء و تمشون لا هله و ولده فی الخمر و الضراء، و نصبر منکم علی مثل حز المدی و وخز السنان فی الحشا.

#### رفتار مردم بعد از رحلت پیامبر

هنگامی که خداوند جایگاه انبیا و منزلگاه برگزیدگانش را برای او اختیار نمود و آنچه به او وعده داده بود به اتمام رساند کینه و دشمنی ناشی از نفاق شما ظاهر گردید، و پوشش دین کهنه شد و جامه اش مندرس و استخوانش ضعیف گردید، و آن قدرت ضعیف از بین رفت. خشم فرو خورده گمراهان به تکلم در آمد، و گمنام ذلیلان ظاهر شد، و شخص مورد قبول اهل باطل صدا در آورد، و در عرصه شما قدرت نمایی کرد. شیطان از کمینگاه خود سر بر آورد و شما را به سوی خود خواند و شما را دعوت نمود، و دید که دعوت او را اجابت می نمایید و آماده فریب خوردن از او هستید، و چون شما را به قیام بر علیه حق خواند قیام و سرعت قبول شما را یافت، پس شتر دیگران را بر ضد حق به غضب و خشم در آورد شما را غضبناک دید. پس شتر دیگران را برای خود علامت گذاری نمودید و آن را به آبی که از آن شما نبود حاضر کردید. تمام این قضایا در حالی بود که فاصله زیادی نشده و زخم هنوز وسیع بود و جراحات هنوز التیام نیافته و پیامبر هنوز دفن نگردیده بود! به گمان ترس از بروز فتنه به سرعت اقدام کردید، ولی



بدانید که در فتنه سقوط کردید و جهنم کافران را از هر سو در بر می‌گیرد. این کارها از شما بعید بود و چگونه چنین کاری کردید و به کجا باز می‌گردید، با اینکه کتاب خدا در بین شماست؟! کتابی که آموزش ظاهر و احکامش نورانی و علامتهایش واضح و نوازش تبیین شده و اوامرش روشن است. به چنین کتاب خدایی پشت نمودید. وای بر شما! آیا می‌خواهید از او روی گردانید یا به غیر آنچه که در آن است حکم کنید؟ بد جایگزینی برای ظالمان است، و کسی که غیر اسلام را بعنوان دین برگزیند از او قبول نمی‌شود و در آخرت از زیانکاران خواهد بود. سپس درنگ نکردید مگر به مقدار آرام شدن فتنه و جای گرفتن قلاده آن، که شروع نمودید در برافروختن شعله‌های فتنه برانگیختن هیزمهای آن، و ندای شیطان مکار را اجابت کردید و شروع به خاموش کردن انوار دینی روشن و بی‌اعتنایی و سستهای پیامبر برگزیده نمودید. به ظاهر طرفداری از دین می‌نمایید در حالیکه در باطن به نفع خود عمل می‌کنید، و نسبت به اهل بیت و فرزندان ایشان با حيله و نیرنگ رفتار می‌کنید. ما در مقابل اذیت‌های شما صبر می‌کنیم مانند صبر کسی که با چاقوهای بزرگ و پهن اعضایش را قطعه قطعه کنند و تیزی نیزه را در بدنش فرو برند!

## فدک و الارث

### اشاره

و انتم الان تزعمون ان لا-ارث لنا اهل البيت و لا حظ! افحكم الجاهلیه تبغون؟ و من احسن من الله حکما لقوم یوقنون. افلا تعلمون؟ بلی، قد تجلی لکم کالشمس الضاحیه انی ابنته. اینها معشر المسلمین، ابتر اارث ابی؟ یابن ابی قحافه، افی کتاب الله ان ترث اباک و لا ارث ابی؟ لقد جئت شیئا فریبا، جراه منکم علی قطیعه الرحم و نکث العدا! افعلی عمد ترکتم کتاب الله و نبذتموه وراء ظهورکم؟ اذا یقول الله تبارک و تعالی: و ورث سلیمان داود، مع ما قص من خبر یحیی و زکریا اذا قال: رب... فهب لی من لدنک ولیا یرثنی و یرث من آل یعقوب، و قال: و اولوا الارحام بعضهم اولی ببعض فی کتاب الله، و قال: یوصیکم الله فی اولادکم للذکر مثل حظ الانثیین، و قال: ان ترک خیرا الوصیه للوالدین و الاقربین بالمعروف حقا علی المتقین. فرعتم ان لا حظ لی و لا ارث لی من ابی و لا رحم بیننا!! افخصکم الله بایه اخرج ابی منها؟ ام تقولون اهل ملتین لا یتوارثون؟! اولست انا و ابی من اهل مله واحده؟ ام انتم اعلم بخصوص القرآن و عمومه من ابی و ابن عمی؟! فدونکها مخطومه مرحوله مزوممه، تکون معک فی قبرک و تلقاک یوم حشرک و نشرک. فنعم الحکم الله و الزعیم محمد و الموعد القیامه، و عما قلیل توفکون و عند الساعه یخسر المبطلون و لاینفعکم اذ تندمون، و لکل نبا مستقر و سوف تعلمون من یاتیه عذاب یخزیه و یحل علیه عذاب مقیم.

## فدک و ارث

و شما اکنون معتقدید که ارثی و نصیبی برای ما اهل بیت نیست! آیا در پی حکم جاهلیت هستید؟! او چه حکمی بهتر از حکم الهی برای گروهی است که یقین دارند؟ آیا نمی‌دانید؟ البته که همچون آفتاب تابنده برای شما روشن است که من دختر اویم. از شما مسلمانان بعید است! آیا ارث پدرم به زور گرفته شود؟ ای پسر ابوقحافه، آیا در کتاب خدا نوشته شده که تو از پدرت ارث ببری ولی من از پدرم ارث نبرم؟ مطلبی تعجب آمیز و متحیر کننده آورده اید، که از روی جرأت بر قطع رحم رسول الله و شکستن پیمان چنین اقدامی کرده اید! آیا از روی عمد کتاب خدا را رها کرده و پشت سر خود افکنده اید؟ آنجا که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: و سلیمان از داود ارث برد و آنچه حکایت نموده از قضیه یحیی و زکریا آنجا که می‌فرماید: پروردگارا... فرزندی به من عنایت فرما که از من و از آل یعقوب ارث ببرد، و فرموده: و خویشان میت بعضی بر بعض دیگر در کتاب خدا در ارث بردن تقدم دارند، و فرموده: خداوند در رابطه با اولادتان سفارش می‌نماید که فرزندان پسر دو برابر فرزندان دختر ارث می‌برند، و فرموده:

اگر میت چیزی بعد از خود باقی بگذارد برای والدین و خویشان به نیکی وصیت نماید، این حقی است که متقین باید آن را انجام دهند. گمان نمودید بهره‌ای از ارث برای من نیست و از پدرم ارثی به من نمی‌رسد و بین من و پدرم نسبتی نیست؟! آیا خداوند شما را به آیه‌ای اختصاص داده که پدرم را از آن خارج نموده است؟ یا می‌گویید ما اهل دو مذهب هستیم که از یکدیگر ارث نبریم؟! آیا من و پدرم هر دو اهل یک مذهب نیستیم؟! یا اینکه شما به عام و خاص قرآن از پدرم و پسر عمویم (علی علیه السلام) آگاه‌ترید؟ اکنون که فدک را نمی‌دهی این مرکب زین و افسار شده آماده را بردار تا در قبر همراه تو باشد و روز قیامت و بال آن گریبان‌ت را بگیرد. خداوند خوب حکم‌کننده‌ای و حضرت محمد صلی الله علیه و آله خوب زعیمی و قیامت خوب وعده‌گاهی است. بعد از مدت کوتاهی پشیمان می‌شوید، و در روز قیامت اهل باطل زیان می‌کنند، و زمانی پشیمان می‌شوید که برای شما نفعی ندارد، و برای هر خبری زمان وقوعی است، و به زودی می‌فهمید عذاب خوارکننده گریبان چه کسی را می‌گیرد و چه کسی است که عذاب دائمی بر او نازل می‌شود.

## شکواها الی رسول الله

### اشاره

ثم التفتت علیه السلام الی قبر اییها فخنفتها العبره و قالت: قد کان بعدک انباء هنبه لو کنت شاهدها لم تكثر الخطب انا فقد ناک فقد الارض و ابلها و اختل قومک فاشهدهم و لا تغب و کل اهل له قری و منزله عند الاله علی الاذنین مقترب ابدت رجال لنا نجوی صدورهم لما مضیت و حالت دونک التراب تجهمتنا رجال و استخف بنا لما فقدت و کل الارض مغتصب سيعلم المتولی ظلم حامتنا یوم القیامه انی سوف ینقلب و کنت بدرا و نورا یستضاء به علیک تنزل من ذی العزه الکتب و کان جبریل بالایات یونسنا فقد فقدت و کل الخیر محتجب ضاقت علی بلادی بعد ما رحبت و سیم سبطاک خسفا فیه لی نصب فلیت قبلک کان الموت صادفنا لما مضیت و حالت دونک الکتب انا رزنا بما لم یرز ذو شجن من البریه لا عجم و لاعرب فسوف نبکیک ما عشنا و ما بقیت لنا العیون بتهمال له سكب و وصلت ذلک بان قالت: قد کنت ذات حمیه ما عشت لی امشی البراح و انت کنت جناحی فالیوم اخضع للذلیل و اتقی منه و ادفع ظالمی بالراح و اذا بکت قمر به شجنا لها لیلا علی غصن بکیت صباحی

### خطاب به پیامبر

سپس حضرت نظری به مرقد پدر افکند و بغض گلویش را فشرده و ضمن اییاتی از شعر چنین فرمود: ای پدر! بعد از رحلت تو واقعه‌های بزرگ و قضایای مشکلی واقع شد، که اگر تو شاهد آن بودی مصیبت برایمان بزرگ نمی‌آید. ما همچون زمینی که باران فراوان را از دست دهد تو را از دست دادیم، و قوم تو فاسد گردیدند. پس شاهد آنان باش و غایب مباش. و برای هر اهلی مزیت و برتری بر دیگر نزدیکان نزد خدای متعال است. آن هنگام که تو رفتی و خاک بین ما و تو حایل شد مردمانی کینه‌های خود را بر ما ظاهر نمودند. اکنون که تو از بین ما رفته‌ای و تمام زمین غصب شده مردم با چهره گرفته با ما روبرو می‌شوند و ما خوار شده ایم. و بزودی در روز قیامت باعث ظلم خانواده ما می‌فهمد که به کجا باز می‌گردد. تو همچون ماه چهارده شبه و نوری بودی که از تو کسب نور می‌شد و کتابهای آسمانی از طرف خدای با عزت بر تو نازل می‌گردید. و جبرئیل با آوردن آیات الهی با ما انس داشت، و با رفتنت در تمام خیرها را بست. شهر من با آن وسعتش بر من تنگ شده و دو سبط تو خوار گشتند که در این برای من بلایی است. ای کاش قبل از رفتن تو مرگ با ما روبرو می‌شد هنگامی که تو از پیش ما رفتی و تلی از خاک مانع از تو شد. ما مبتلا به مصیبت از دست رفتن عزیزی شدیم که هیچ محزونی از مردم چه عرب و چه عجم به رفتن عزیزی مبتلا نشده است. پس هر

اندازه که در این دنیا زندگی کنیم و تا زمانی که چشمهایمان باقی است برای تو با اشکی ریزان گریه می کنیم. سپس این اشعار را درد دل نمود: تا روزی که تو زنده بودی حمایت کننده ای داشتم و با آسودگی رفت و آمد می نمود و تو بال من و یاورم بودی: ولی امروز در برابر فردی ذلیل خاضع شده ام و از او فاصله می گیرم و به دست خود ستمگران را دور می کنم. در حالی که قمری از روی غصه، شبانه روی شاخه ای گریه می کند، من در روز روشن بر مصائب اشک می ریزیم.

## خطابها مع الانصار

### اشاره

ثم رمت عليه السلام بطرفها نحو الانصار فقالت: يا معشر البقيه، و اعضاد المله، و حضنه الاسلام! ما هذه الفتره عن نصرتي و الونيه عن معونتي و الغيزه في حقي و السنه عن ظلامتي؟! اما كان رسول الله صلى الله عليه و آله ابي يقول: المرء يحفظ في ولده؟ سرعان ما احدثتم، و عجلان ذا اهاله! و لكم طاقه بما احول، و قوه على ما اطلب و ازاول. اتقولون مات محمد رسول الله؟ فخطب و الله جليل، استوسع و هيه و استنهر فقهه، فقد راتقه و اظلمت الارض لغيبته، و اکتابت خيره الله و كسفت الشمس و القمر و انتشرت النجوم المصيبته، و اكدت الامال و خشعت الجبال و اكلت الاموال، و اضيع الحریم و اذيلت الحرمه عند مماته، و فتنت الامه و غشيت الظلمه و مات الحق. فتلك و الله النازله الكبرى و المصيبه العظمی، لا مثلها نازله و لا بائنه عاجله. اعلن بها كتاب الله افنيتم و في ممساکم و مصبحكم، يهتف بها في اسماعكم هتافا و صراحا و تلاوه و الحاناً، و لقبه ما حلت بانبياء الله و رسله، حکم فصل و قضاء حتم، و ما محمد الا- رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم على اعقابكم و من ينقلب على عقبيه فلن الله شيئا و سيجزي الله الشاكرين.

### خطاب به انصار

سپس حضرت نگاهی به جانب انصار نمودند و فرمودند: ای یادگاران زمان پیامبر، و ای یاوران دین و پناه دهندگان اسلام! این چه سستی است در یاری من و چه ضعفی است در کمک به من و چه کوتاهی است درباره حق من و چه خوابی است که در مورد ظلم به من شما را فرا گرفته است؟! آیا پیامبر صلی الله علیه و آله پدرم نمی فرمود: حرمت هر کسی را نسبت به فرزندانش باید نگاه داشت؟ چه زود کار خود را کردید، و عجب زود به کاری که زمانش نرسیده بود اقدام نمودید! و شما به آنچه من طلب می کنم قدرت کمک، و بر آنچه در پی آن هستم و می خواهم قوت گرفتن دارید. آیا به راحتی می گوئید محمد رسول خدا از دنیا رفت؟ بخدا قسم این واقعه مهم است که شکافی عظیم و گسیختگی گسترده ای همراه داشت، و التیام دهنده آن مفقود بود. با غیبت پیامبر زمین تاریک گردیده، و برگزیدگان الهی محزون گشته اند، و در مصیبت او آفتاب و ماه گرفته و ستارگان پراکنده شدند. با رحلت او امیدها به یاس مبدل شد، و اموال غارت شد و حریم آن حضرت از بین رفت، و حرمت او مورد اهانت قرار گرفت. با رفتن او امت در فتنه افتادند و ظلمت همه جا را فرا گرفت و حق از بین رفت. بخدا قسم پیامبر صلی الله علیه و آله بلیه بسیار بزرگ و مصیبت عظیم است که مصیبتی مثل آن و حادثه ناگواری همچون آن در دنیا نخواهد بود و به این مصیبت عظمی کتاب خدا در خانه هایتان و در هر صبح و شام آگاهی داده و به آن در گوشه هایتان با ندا و فریاد و خواندن و فهماندن خبر داده است. و همچنین خبر داده از آنچه که به انبیای الهی و فرستادگان خداوند در گذشته رسیده که حکم نهایی و قضا و قدر حتمی است (آنجا که فرموده) و نیست محمد مگر فرستاده خدا که قبل از او پیامبران آمده اند. آیا بمیرد یا کشته شود به جاهلیت خود بر می گردید و مرتد می شوید؟ کسی که مرتد شود به خداوند ضرری نمی رساند، و خداوند شکر گزاران را پاداش می دهد.

## الزهرات تظلم بمرأی و مسمع

### اشاره

ایها بنی قیله! آهضم تراث ابی و انتم بمرأی منی و مسمع و منتدی و مجمع. تلبسکم الدعوه و تشملکم الخبره، و فیکم العده و العدد، و لکم الدار و الجبن و الجنن و الاداه و القوه، و عندکم السلاح و الجنه، توافیکم الدعوه فلا تجیبون؟! و تاتیکم الصرخه فلا تغیثون؟! و انتم موصوفون بالكفاح معروفون بالخیر و الصلاح. و انتم الاولی نخبه الله الی انتخبتم، و الخیره الی اختیرت لنا اهل البیت، فبادیتم العرب و بادهتم الامور و تحملتم الكد و التعب، و ناهضتم الامم و کافحتم البهم، لانبرح و تبرحون، نامرکم فتاتمرون. حتی استقامت لکم منا الدار و دارت لکم بنا رحی الاسلام و در حلب الایام و خضعت نعرع الشرك، و سکت فورہ الافک، و خبت نیران الحرب، و هدات دعوه الهرج، و استوسق نظام الدین.

### ظلم به فاطمه در انظار مردم

از شما بعید است ای پسران قیله! آیا در ارث پدرم به من ظلم شود در حالی که شما حال مرا می بینید و صدای مرا می شنوید و اجتماعتان منسجم است و ندای نصرت طلبی من به شما می رسد، و آگاهی بر مظلومیت من همگی شما را فرا گرفته است؟! این در حالی است که شما هم تدارکات و افراد و هم خانه و سرپوش و هم وسیله و قدرت و هم اسلحه و وسیله دفاع دارید. فراخوانی من به شما می رسد ولی پاسخ نمی دهید! و فریاد من به شما می رسد ولی به دادخواهی نمی آید! شما کسانی هستید که بر دشمن بدون سپر و زره حمله می کنید و به خیر و صلاح شناخته شده اید. و شما بعنوان برگزیده خدا و منتخب او برای ما اهل بیت انتخاب شده اید. و همان کسانی هستید که با عرب به مبارزه برخاستید و خود را وارد امور سخت کردید و متحمل سختی و زحمت شدید و با امتها به جنگ برخاستید و پهلوانان را بدون سستی دور نمودید. ما و شما چنان بودیم که شما را امر می کردیم و شما اطاعت می کردید، تا بوسیله ما برای شما موقعیت پا بر جایی به دست آمد و توسط ما آسیاب اسلام برای شما به گردش در آمد، و برکات روزگار به جریان افتاد، و تکبر شرک به ذلت کشیده شد، و جوشش دروغ ساکن گردید، و آتش جنگ خاموش گشت، و دعوت به فتنه و آشوب آرام گرفت، و دین در اجتماع شکل گرفت.

### قاتلوا ائمه الکفر

### اشاره

فانی جرتم بعد البیان و اسررتم بعد الاعلان و تکصتم بعد الاقدام و اشركتم بعد الایمان و جبتتم بعد الشجاعه، عن قوم نکثوا ایمانهم من بعد عهدهم و طعنوا فی دینکم. فقاتلوا ائمه الکفر انهم لا ایمان لهم لعلهم ینتهون. الا تقاتلون قوما نکثوا ایمانهم و هموا باخراج الرسول و هم بدو و کم اول مره اتخشونهم فالله احق ان تخشوه ان کنتم مومنین.

### با امامان کفر بجنگید

با این سوابق، حال بعد از روشن شدن حق و بیان آن به کجا رفتید، و بعد از اعلان حق کجا آن را پنهان کردید، و چرا بعد از این اقدامات به گذشته خود رجوع نمودید و بعد از ایمان مشرک شدید، و بعد از شجاعت ترسیدید از گروهی که بعد از پیمان بستنشان سوگندهای خود را شکستند و در دین شما طعنه وارد نمودند. با امامان کفر جنگ کنید که آنان پایبند به سوگندهایشان نمی

باشند، تا شاید از کارهای خود بر گردند، آیا با گروهی که سوگندهای خود را نادیده گرفتند و قصد بیرون نمودن رسول الهی را دارند کارزار نمی‌نمایید، و حال آنکه آنان ابتدا شروع به جنگ نمودند؟ آیا از آنان هراس دارید؟ خداوند سزاوارتر است که از او بترسید اگر مومن هستید.

## خذلان الناس عن الحق

### اشاره

الا و قد اری و الله ان قد اخلدتم الی الحفض، و ابعدم من هو احق بالسط و القبض، و رکنتم الی الدعاه، و نجوتم بالضیق من السعه، فعجتم عن الدین و مجتم الذی و عیتم و دسعت الذی سوغتم. فان تکفروا انتم و من فی الارض جمیعاً فان الله لغنی حمید. الم یاتکم نبا الذین من قبلکم قوم عاد و نوح و ثمود و الذین من بعدهم لا- یعلمهم الا- الله، جأتهم رسلهم بالبینات فردوا ایدیهم فی افواههم و قالوا انا کفرنا بما ارسلتم به و انا لفی شک مما تدعوننا الیه مریب.

### خواری حق به دست مردم

آگاه باشید! به خدا قسم شما را می‌بینم که به زندگی راحت میل نموده اید، و کسی که سزاوار منصب حل و فصل امور است از جایگاهش دور نموده اید، و تن به راحتی در داده اید، و از جای وسیع و جای تنگ پناه آورده اید، و از دین برگشته اید و آنچه را که حفظ می‌کردید دور افکنده اید، و چیزی را که به آسانی خورده بودید بر گردانده اید. اگر شما و تمام کسانی که در زمین هستید کافر شوند خداوند از همه آنان بی‌نیاز است و خداوند سپاس شده است. آیا خبر کسانی که قبل از شما از قوم نوح و عاد و ثمود و اقوامی که بعد از اینان آمدند به شما نرسیده؟ قضایای آنان را جز خدا نمی‌داند که رسولان الهی با بینات به سوی آن اقوام آمدند، ولی آنان دستهای خود را در دهان خود گذارده و گفتند: ما به آنچه شما فرستاده شده اید کافریم، و ما در آنچه ما را به سوی شما می‌خوانید در شک و تردید هستیم.

## العار و النار لمن یخذل ابنه نبیه

### اشاره

الا و قد قلت الذی علی معرفه منی باخذله التی خامرتکم و الغدره التی استشعرتها قلبکم. و لکنها فیضه النفس و نفثه الغیظ و خور القناه و ضعف یقین و بثه الصدر و معذره الحجه. فدونکموها فاحتقبوها مدبره الظهر، مهیضه العظم، خوراء القناه، ناقبه الخف، باقیه العار، موسومه بغضب الجبار و شنار الابد، موصوله بنار الله الموقده التی تطلع علی الافئده، انها علیهم موصده فی عمد ممدده. فبعین الله ما تفعلون و سيعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون.

### عار و عذاب بر کسی که دختر پیامبر را خوار کند

من گفتم آنچه گفتم در حالی که می‌دانم یاری نکردن وجودتان را فرا گرفته و بی‌وفایی همچون لباسی بر قلبهای شما پوشیده شده است. ولی این سخنان به خاطر بر لب رسیدن جانم بود، و آه‌هایی بود که برای خاموش نمودن آتش غضبم کشیدم، و سستی تکیه گاهی بود، و ضعف یقین شماست، و اظهار غصه سینه‌ام است که دیگر نتوانستم آن را مخفی کنم، و برای اتمام حجت بود. پس شتر خلافت را بگیریید و با طناب، باربندش را محکم به شکم آن ببندید، در حالی که کمر آن شتر مجروح شده و

استخوانهایش شکسته و پاهایش ضعیف شده و کف پاهایش نازک گردیده و عیب آن همیشه باقی است، که به غضب خدای جبار و ننگ ابدی علامت گذاری شده، و پیوسته به آتش الهی روشن است. آتشی که بر قلبها اثر می گذارد و در عمودهای کشیده بر آنان ملازم شده است. آنچه انجام می دهید نزد خداوند محفوظ است و به زودی کسانی که ستم کردند می فهمد به کجا می روند.

## انا ابنه بیکم

### اشاره

و انا ابنه نذیر لکم بین یدی عذاب شدید، فکیدونی جمیعا ثم لا تنظرون، فاعملوا انا عاملون و انظروا انا منتظرون. ربنا احکم بیننا و بین قومنا و انت خیر الحاکمین و سیعلم الکفار لیمن عقبی الدار. و قل اعملوا فیسیری الله عملکم و رسوله و المومنون، و کل انسان الزمناه طائره فی عنقه، فمن یعمل مثقال ذره خیرا یره و من یعمل مثقال ذره شرا یره، و کان الامر قد قصر.

### من دختر پیامبران هستم

من دختر کسی هستم که شما را از عذاب شدیدی که در پیش دارید ترسانید. پس همگی درباره من حيله بکار بندید و به تأخیر نیندازید! شما کار خود را بکنید که ما هم در کار خود هستیم و منتظر باشید که ما هم منتظریم. پروردگارا! بین ما و قوممان به حق حکم کن و تو بهترین حکم کننده هستی و به زودی کفار خواهند دانست که عاقبت کار به نفع کیست. و بگو عمل کنید که به زودی خدا و رسول و مومنین عمل شما را می بینند و نامه اعمال هر انسانی را بر گردن او آویخته ایم. بنابر این هر کس به اندازه ذره ای عمل خیر انجام دهد نتیجه اش را می بیند و هر کس ذره ای عمل شر انجام دهد نتیجه اش را خواهد دید، و گویا کار چنین مقدر شده است.

## جواب ابی بکر لها

### اشاره

فاجابها ابوبکر عبد الله بن عثمان و قال: صدقت یا بنت رسول الله، کان ابوک بالمومنین عطوفا کریما رورفا رحیما، و علی الکافرین عذابا الیما و عقابا عظیما. و اذا عزوانه و جدناه اباک دون النساء، و اخا ابن عمک دون الاخلاء، آثره علی کل حمیم و ساعده علی الامر العظیم. لا یحبکم الا سعید، و لا یبغضکم الا شقی بعید!! و اتم عتره رسول الله الطیبون، و خیرته المنتجبون، علی الخیر ادلتنا، و الی الجنه مسالکنا.

### جواب ابوبکر

آنگاه ابوبکر در جواب حضرت گفت: راست می گویی ای دختر پیامبر، پدر تو نسبت به مومنین با عطف و کریم بود و رحمت و رفت داشت، و نسبت به کافرین عذاب الیم و عقاب عظیم بود. اگر بخواهیم نسب او را بنگریم در تمام زنان او را تنها پدر تو می یابیم، و در بین دوستان صمیمیش تنها برادر عمویت (علی علیه السلام) می بینیم، که او را بر تمام دوستان برگزید، و علی کسی بود که او را در هر کار بزرگی یاری می نمود. فقط انسانم سعادت مند شما را دوست می دارد و تنها انسان شقی دور از خدا شما را دشمن می دارد. شما عزت پاک رسول خدا هستید و برگزیدگان منتخب اوید. راهنمایان ما بر کارهای خیر شماید، و سوق دهندگان ما به بهشت شما هستید.

## الحديث الموضوع النبى لا يورث

### اشاره

و انت يا خيرہ انساء و ابنہ خیر الانبياء صادقہ فی قولک، سابقہ فی وفور عقلک، غیر مردودہ عن حقک و لا مصدودہ عن صدقک. و اللہ ما عدوت رای رسول اللہ و لا عملت الا باذنہ! و الرائد لا یکذب اهلہ. و قد قلت و ابلغت و اغلظت فاهجرت، و انى اشهد اللہ - و کفی به شهيدا - انى سمعت رسول اللہ يقول: نحن معاشر الانبياء لا نورث ذہبا و لا فضہ و لا ارضا و لا دارا و لا عقارا، و انما نورث الکتب و الحکمہ و العلم و النبوه، و ما کان لنا من طعمہ فلولى الامر بعدنا ان یحکم فیہ بحکمہ! و قد جعلنا ما حاولتہ فی الکراع و السلاح، یقابل بہ المسلمون و یجاهدون الکفار و یجالدون المردہ الفجار، و ذلک باجماع من المسلمین لم اتفرد بہ وحدى، و لم استبد بما کان رای فیہ عندى. و هذه حالى و مالى هی لک و بین یدیک لا نزوى عنک و لا ندر دونک. و انک انت سیدہ امہ اییک، و الشجرہ الطیبہ لبنيک، لا ندفع مالک من فضلک، و لا یوضع من فرعک و اصلک، حکمک نافذ فیما ملک یدای، فهل ترین ان اخالف فی ذلک اباک؟!

### حديث جعلى النبى لا يورث

و تو ای بر گزیده تمام زنان و دختر بهترین پیامبران در آنچه که می گویی راستگو هستی، و در وفور عقل سبقت داری، و حق تو رد نشده است و سخن راستی را می گویی که از تو منع نمی شود، و قسم به خدا که از رای و نظر پیامبر پا را فرا نگذاشتم و کاری که کردم با اجازه او بود!! و پیشتر هر قومى به آنان دروغ نمی گوید. و تو گفتی و سخن خود را رساندی و درشتی نمودی و قهر کردی!! و من خدا را شاهد می گیرم - و او در شاهد بودن کافی است! - که شنیدم که رسول خدا می فرمود: ما گروه پیامبران طلا و نقره و زمین و خانه و اثاث خانه به ارث نمی گذاریم، و کتابها حکمت و علم را به ارث می گذاریم. و آنچه از مال دنیا از ما باقی ماند از آن ولی امر بعد ماست که در آن به نظر خویش حکم کند! آنچه را که تو در پی آن هستی برای تهیه اسب و اسلحه قرار دادیم که مسلمانان با آن به مقابله دشمنان پردازند و با کفار جهاد کنند و بر گردنکشان فجار شمشیر بزنند! و این عمل به اجماع مسلمانان است، و به تنها آن را انجام نداده ام و به رای خود عمل نکرده ام. این حال من است و اموال برای تو و در اختیارت باشد! و ما آن را به تو نمی گیریم و برای دیگری ذخیره نمی کنیم. تو برترین بانوی امت پدرت و درخت طیبه ای برای فرزندان هستی! ما نمی خواهیم مال تو را که به تو تفضل شده از تو بگیریم، و مقام اجداد و فرزندان کم شمرده نمی شود. فرمان تو در آنچه که در ملک من است مؤثر و نافذ است! آیا اجازه می دهی در این باره با دستور پدرت مخالفت کنم!؟

### خطابها مع ابى بکر

### اشاره

فقلت سلام اللہ علیها: سبحان اللہ! ما کان ابى رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ عن کتاب اللہ صادفا، و لا لا حکانه مخالفا، بل کان يتبع اثره و يقفو سوره. افتجمعون الى الغدر اعتلالا عليه بالزور؟ و هذا بعد وفاته شبيه بما بغى له من الغوائل فى حياته.

### پاسخ ابوبکر

حضرت فاطمه سلام اللہ علیها در جواب او فرمود: سبحان اللہ! هرگز پدرم از کتاب خدا روی گردان نبوده و مخالفت احکام آن را

نکرده، بلکه پیروی فرامین او را نموده و از جای جای آن متابعت نموده است. آیا همگی بر سر بی وفایی اجتماع کرده‌اید و عذرتان در این باره دروغی است که پرداخته‌اید. و این عمل شما بعد از رحلت پیامبر همانند آن غائله‌هایی است که در زمان حیات او دنبال می‌کردید.

## القرآن بصرح بارت الانبیاء

### اشاره

هذا کتاب الله، حکما عدلا و ناطقا فصلا یقول عن نبی من انبیائه: یرثنی و یرث من آل یعقوب، و یقول: و ورث سلیمان داود. فبین عزو جل وزع من الاقساط و شرع من الفرائض و المیراث و اباح من حظ الذکران و الاناث ما ازاح به عله المبطلین و ازال التظنی و الشبهات فی الغابین. کلا بل سولت لکم انفسکم امرا، فصبر جمیل و الله المستعان علی ما تصفون. و هذان نبیان، و قد عملت ان النبوه لا تورث و انما یورث ما دونها. فما لی امنع ارث ابی؟ ءانزل الله فی کتابه: الا فاطمه بنت محمد؟ فدلنی فلیه اقنع به!

## تصریح قرآن به ارث انبیاء

این کتاب خداست که حاکمی عادل و گوینده‌ای است که فصل خصومت می‌کند، درباره پیامبری از پیامبران خدا می‌فرماید: فرزندی به من عطا فرما که از من و از آل یعقوب ارث ببرد، و می‌فرماید: و سلیمان از داود ارث برد. خداوند عز و جل در قرآن تقسیماتی در ارث قرار داده و حدود واجب میراث را تعیین کرده و سهم مرد و زن از بیان فرموده است، به طوری که عذر اهل باطل را باطل کرده و جای گمانها و شبهات را درباره مردگان از بین برده است. ولی نفستان بر شما حیل کرده و باید صبر نیکو کرد، و خداوند در مقابل آنچه شما می‌پردازید کمک کننده است. این دو نفر که در آیه ذکر شده اند پیامبرند، و تو می‌دانی که مقام نبوت ارث بردنی نیست و ارث بردن در غیر مقام نبوت است. پس برای چه از ارث پدرم محروم می‌شوم؟ آیا خداوند در کتابش آورده که: به جز فاطمه دختر محمد؟ به من نشان بده تا قانع شوم.

## جواب ابی بکر لها

### اشاره

فقال لها سلام الله علیها ابوبکر: یا بنت رسول الله، انت عین الحجه و منطق الحکمه. لا ادلی بجوابک و لا ادفعک عن صوابک، و لکن المسلمون بینی و بینک! هم قلدونی ما تقلدت، و باتفاق منهم اخذت ما اخذت، غیر مکابر و لا مستبد و لا مستاثر، و هم بذلک شهود.

## جواب ابوبکر

ابوبکر گفت: ای دختر پیامبر، تو عین دلیل و زبان حکمت هستی. جواب تو را آماده نکرده‌ام، و تو را در درستی گفتارت رد نمی‌کنم! ولی این مسلمانان قاضی بین من و تو باشند. آنچه انجام دادم اینان بر عهده من گذاردند و با توافق آنان و بدون قصد زورگویی و استبداد و مقدم داشتن دیگری این (فدک) را از تو گرفتم، و خودشان بر این مطلب شاهدند.

## خطابها مع المسلمین و معاتبتهم



**اشاره**

فالتفتت فاطمه سلام الله علیها الی الناس و قالت: معاشر المسلمین المسرعه الی قیل الباطل، المغضیه علی الفعل القبیح الخاسر. افلا تتدبرون القرآن ام علی قلوب اقفالها؟ کلا بل ران علی قلوبکم ما اساتم من اعمالم، فاخذ بسمعکم و ابصارکم، و لبئس ما تاولتم و ساء ما به اشترتم و شر ما منه اعتضتم. لتجدن و الله محمله ثقیلا و غبه و بیلا، اذا کشف لکم الغطاء و بان ما وراءه الضراء و بدالکم من ربکم ما لم تکنوا تحسبون و خسر هنالك المبطلون.

**خطاب به مسلمانان**

آنگاه حضرت فاطمه سلام الله علیها توجه خود را به مردم نموده فرمودند: ای مسلمانانی که با سرعت به قول باطل روی آورده اید، و در مقابل عمل ناپسند زیان آور سکونت نمودید و راضی شدید! آیا در کلمات قرآن تدبر نمی کنید یا آنکه بر قلبهایتان قفلهایی زده شده است؟ بلکه اعمال بدتان قلبهای شما را پوشانده و گوش و چشمتان را بسته است. بد تأویلی کردید و چه بد مشورتی نمودید و چه شر است آنچه خیر را با آن عوض کردید. قسم به خدا بارش را سنگین می یابید و عاقبتش را عذاب می بینید زمانی که پرده برای شما برداشته شود و پوشیده ها آشکار گردد و عذابهایی که گمانش را نمی برید از سوی پروردگارتان بر شما ظاهر گردد، و در آن هنگام صاحبان باطل زیان می کنند.

**اثر خطبتها****اشاره**

قال: فلم یر بعد الیوم الذی قبض فیه رسول الله صلی الله علیه و آله اکثر باکیا و لا- باکیه من ذلک الیوم، و ارتجت المدینه و صاح الناس، و ارتفعت الاصوات من دار بنی عبد المطلب و بعض دور المهاجرین و الانصار.

**تأثیر خطبه حضرت**

راوی: می گوید: بعد از خطبه حضرت، زن و مرد چنان گریه کردند که تا آن روز دیده نشده بود، و مدینه به لرزه در آمد و فریاد مردم بلند شد و صداها از خانه های فرزندان عبدالمطلب و بعضی از مهاجرین و انصار بلند شد.

**ماجری بین ابی بکر و عمر بعد خطبتها****اشاره**

فلما بلغ ذلک ابابکر قال لعمر: تربت یدالک! ما کان علیک لو ترکنتی؟ فرما رفات الخرق و رتقت الفتق، الم یکن ذلک بنا احق؟ فقال الرجل: قد کان فی ذلک تضعیف سلطانک، و توهین کفتک، و ما اشفقت الا علیک. قال: ویلک! فکیف باینه محمد و قد علم الناس ما توعو الیه، و ما نجن لها من الغدر علیه. فقال: هل هی الا غمره انجلت، و ساعه انقضت، و کان ما قد کان لم یکن... قلدننی ما یکون من ذلک. قال فضرِب بیده علی کتفه، ثم قال: رب کربه فرجتها یا عمر.

**آنچه بین ابوبکر و عمر اتفاق افتاد**

هنگامی هنگامی که این اخبار به ابوبکر رسید، به عمر گفت: دست خالی باد! چه می شد اگر مرا به حال خود می گذاشتی که شاید این گسیختگی را به نوعی التیام می دادم و مسئله تشنج آور پیش آمده را به طوری اصلاح می کردم. آیا این برایمان بهتر نبود. عمر گفت: در این، تضعیف قدرت تو و سبکی مقام تو بود، و من برای تو دلسوزی کردم! ابوبکر گفت: وای بر تو! پس کلمات دختر محمد چه می شود که مردم همگی دانستند که او چه می خواهد و ما چه حيله ای برای او پنهان کرده ایم؟! عمر گفت: آیا بیش از یک تندی بود که از بین رفت و آیا بیش از یک لحظه ای بود که گذشت؟ و مثل آنکه آنچه بوده اصلا واقع نشده است، و گناه آنچه که بود بر عهده من بگذار! راوی می گوید: سپس ابوبکر با دستش بر شانه عمر زد و گفت: چه بسیار گرفتاری که تو آن را رفع نمودی!

## ابوبکر یهدد الناس

### اشاره

ثم نادى الصلاه جامعه، فاجتمع الناس و صعد المنبر، فحمد الله و اثنى عليه، ثم قال: ايها الناس، ما هذه الرعه، و مع كل قاله امنيه؟ اين كانت هذه الامانى فى عهد نبىكم؟ فمن سمع فليقل، و من شهد فليتلکم، كلا بل هم ثعالب شهيد ذنبه. لعنه الله، و قد لعنه الله. مرب لكل فتنه يقول: كروها جذعه ابتغاء الفتنه من بعد ما هرت، كام طحال احب اهلها الغوى. الا لو شئت ان اقول لقلت: و لو تكلمت لبحت، و انى ساكت ما تركت يستعينون بالصبيه و يستنهضون النساء. و قد بلغنى - يا معشر الانصار - مقاله سفهائكم، فوالله ان احق الناس بلزوم عهد رسول الله انتم، لقد جاءكم فاوئتم و نصرتم، و انتم اليوم احق من لزم عهده. و مع ذلك فاغدوا على اعطياتكم، فانى لست كاشفا قناعا و لا باسطا و ذراعا و لا لسانا الا على من استحق ذلك و، والسلام.

## خطاب تهديد آميز ابوبکر به مردم

آنگاه اعلان کرد تا مردم اجتماع کنند، و مردم جمع شدند و ابوبکر بر فراز منبر رفته و پس از حمد و ثنا گفت: ای مردم، این چه حالتی است که با هر حرفی آرزویی است؟ این آرزوها در عهد پیامبران کجا بود. پس هر کسی که شنیده بگوید و هر که شاهد بوده صحبت کند. بلکه این قضیه همچون قضیه روباهی می ماند که شاهدش دمش بود! خدا او را لعنت کند و لعنت کرده است! ملازم هر فتنه ای است و می گوید: فتنه را به حال اولی برگردانید. طالب فتنه است بعد از آن که کهنه شده همچون ام طحال می ماند که محبوبترین اهلش نزد او گمراه است. آگاه باشید اگر خواسته باشم بگویم می گویم، و اگر تکلم نمایم مطلب را آشکار می کنم. ولی تا زمانی که رهایم کرده باشند من سخن نمی گویم. از بچه ها کمک می گیرند و زنان را به یاری می طلبند. ای انصار، صحبت سفیها شما به من رسیده است. قسم به خدا سزاوارترین مردم به رعایت عهد رسول خدا شما هستید. شما کسانی هستید که پیامبر به سوی شما آمد و او را پناه دادید و یاری نمودید، و امروز از همه سزاوارترید که عهد او را پاس دارید. و بعد از این همه، فردا صبح برای گرفتن هدیه ها بیایید! من کسی هستم که پرده ای را نمی درم و دست و زبانی را بلند نمی کنم مگر بر کسی که سزاوار آن باشد! و السلام.

## استنکار ام سلمه

### اشاره

قال فاطلت ام سلمه راسها من بابها و قالت: المثل فاطمه بنت رسول الله صلى الله عليه و آله يقال هذا؟! و هى الحوراء بين الانس، و

الانس للنفس! ربیت فی حجور الانبیاء، و تداولتها ایدی الملائکه و نمت فی حجور الطاهرات، نشأت خیر منشاء و ربیت خیر مربی. اترعمون ان رسول الله صلی الله علیه و آله حرم علیها میراثه و لم یعملها؟! و قد قال الله له: و انذر عشیرتک الاقربین. افانذرها و جاءت تطلبه؟! و هی خیره النسوان و ام ساده الشبان و عدیله مریم ابنه عمران و حلیله لیث الاقران، تمت باینها رسالات ربه. فو الله لقد کان یشفق علیها من الحر و القر، فیوسدها یمینه و یلحفها بشماله. رویدا! فرسول الله صلی الله علیه و آله بمرای لغیکم، و علی الله تردون. فواها لکم و سوف تعلمون.

### پاسخ ام سلمه به ابوبکر

راوی می گوید: آنگاه ام سلمه سر خود را از حجره اش بیرون آورد و گفت: آیا مثل فاطمه ای که دختر رسول خداست این حرفها زده می شود؟! در صورتی که او حوریه ای بین انسان، و انس برای نفس پیامبر است. در آغوش پیامبران تربیت یافته و نزد ملائکه دست به دست گردیده و در دامان زنان پاک رشد نموده و به بهترین وجهی در وجود آمده و به نیکوترین صورت تربیت شده است. آیا گمان می کنید پیامبر میراثش را بر او حرام نموده و او را از مسئله آگاه ننموده است؟ با اینکه خداوند به او فرموده: و خانواده نزدیک خود را از مخالفت احکام الهی بترسان. آیا می شود پیامبر به فاطمه این مسئله را فرموده باشد ولی او مطالبه ارث نماید؟! و حال آنکه او بهترین زنان و مادر سر آمد جوانان و همتای مریم دختر عمران و همسر شیر شجاعان است. فاطمه ای که با پدرش رسالتهای پروردگار پایان یافت. قسم به خدا پیامبر نسبت به او در گرما و سرما دلسوزی می کرد و دست راست خود را زیر سر او نهاد و رو انداز او را دست چپش قرار می داد. عجله نکنید که پیامبر ناظر گمراهی شماست و بر خدا وارد می شوید. وای بر شما و به زودی خواهید دانست.

### خطابها مع رافع بن رفاعه تذکر غدیر خم

#### اشاره

ثم ولت، فاتبعها رافع بن رفاعه الزرقی فقال لها: یا سیده النساء، لو کان ابوالحسن تکلم فی هذا الامر و ذکر للناس قبل ان یجری هذا العقد، ما عدلنا به احدا. فقالت له بردتها، الیک عنی! فما جعل الله لا حد بعد غدیر خم من حجه و لا عذر.

### خطاب حضرت با رافع و یادآوری غدیر

آنگاه حضرت بر خاست و به راه افتاد. رافع بن رفاعه به دنبال حضرت آمد و گفت: ای برترین بانوان، اگر حضرت ابوالحسن در رابطه با این مسئله قبل از این بیعتی که با ابوبکر شد صحبتی می کرد و این مطلب را به مردم تذکر می داد، ما شخص دیگری را به جای او نمی پذیرفتیم! حضرت با حالت غضب به او فرمود: از من دور شو، خداوند بعد از واقعه غدیر خم برای احدی دلیل و عذری باقی نگذاشته است!

### شکواها الی امیرالمؤمنین

#### اشاره

ثم انکفات علیه السلام و امیرالمؤمنین علیه السلام یتوقع رجوعها الیه و یتطلع طلوعها علیه. فلما جاءت و دخلت علیه و استقرت بها الدار قالت لامیرالمؤمنین علیه السلام: یا بن ابی طالب! اشتملت شمله الجنین و قعدت حجره الظنن؟ نقضت قادمه الاجدل فخانک

ریش الاعزل! هذا ابن ابی قحافه، بیتزنی نحلہ ابی و بلغه ابنی. لقد اجهد فی خصامی، و الفیته الد فی کلامی، حتی حبستنی قیلہ نصرها و المهاجره و صلها و غضت الجماعه دونی طرفها، فلا دافع و لا مانع. خرجت کاظمه و عدت راغمه! اضرعت خدک یوم اضعت خدک؟ افترست الذئاب و افترشت التراب، ما کففت قائلا و لا اغنیت باطلا و لا خیار لی! لیتنی مت قبل هیتنی و دون ذلتی! عذیری الله منه عادیا و منک حامیا. ویلای فی کل شارق! ویلای فی کل غارب؟ مات العمد و وهن العضد. شکوای الی ابی و عداوای الی ربی. اللهم انت اشد منهم قوه و حولا، اشد باسا و تنکیلا.

### شکایت به امیرالمؤمنین

سپس فاطمه زهرا سلام الله علیها به سوی خانه مراجعت نمودند در حالی که امیرالمؤمنین علیه السلام انتظار بازگشت را می کشیدند و منتظر از راه رسیدن آن بانو بودند. چون حضرت نزد امیرالمؤمنین علیه السلام رسیدند و وارد خانه شدند خطاب به امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کردند: ای پسر ابوطالب! آیا مانند جنین نشسته ای، و مثل اشخاص متهم در خانه جای گرفته ای؟ تو بالهای بازان شکاری را می شکستی، و اکنون پر پرندگان بی بال و پر بر تو تأثیر کرده است؟! این پسر ابوقحافه است که با قهر و غلبه بخشش پدرم و ذخیره دو پسر را می گیرد. او با حدیث تمام به مبارزه من برخاسته، و او را با دشمنی هر چه بیشتر در مقابل صحبت‌هایم یافته. تا آنکه انصار یاری خود را و مخاجران کمکشان را از من باز داشتند و چشمانشان را در یاری من بستند، و در نتیجه نه دفاع کننده ای هست و نه منع کننده ای! با سینه ای پر از خشم که فرو خورده بودم از منزل خارج شدم، و با خواری به خانه باز گشتم. روی خود را به ذلت افکندی هنگامی که صلابت را سست نمودی. تو گرگان را از هم می دریدی، ولی اکنون خاک را فرش خود قرار داده ای! نه گوینده ای را از کلام باز داشتی و نه از باطلی منع نمودی، و من اختیاری از خود ندارم. ای کاش قبل از این لحظه و قبل از خواریم می مردم. عذر من به درگاه خداوند همین بس که ابوبکر متجاوز بود و من می خواستم از تو حمایت کرده باشم. ای وای بر من در هر صبحگاه! و وای بر من در هر شامگاه! تکیه گامها از بین رفت و بازو سست گردید. شکایت خود را به پدرم می نمایم، و انتقام از ستم آنان را از خداوند می خواهم. خداوند! تو در قدرت و قوت بر منع از آنان قوی تر هستی و عذاب و عقوبت تو سخت تر است.

### امیرالمؤمنین یخفف عنها الالام

#### اشاره

فقال امیرالمؤمنین: لا ویل لک، بل الویل لثائک. ثم نهی عن وجدک یا بنه الصفوه و بقیه النبوه. فما ونیت عن دینی و لا اخطات مقدوری. فان کنت ترید من البلغه فرزقک مضمون و کفیلک مامون و ما اعد لک افضل مما قطع عنک، فاحتسبی الله. فقالت علیه السلام: حسبی الله و امسکت.

### تسلی امیرالمؤمنین به حضرت زهرا

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: وای بر تو نیست، بلکه وای بر کسی است که بغض تو را دارد و با تو بد رفتاری می کند. خود را از خشم بازدار، ای دختر پیامبر برگزیده وای یادگار نبوت. در دینم عجز نشان ندادم و از آنچه قدرت داشتم کوتاهی نکردم. اگر به اندازه کفاف زندگی می خواهی روزی تو ضمانت شده است و متکفل آن مورد اعتماد است و آنچه برای تو آماده شده بهتر از چیزی است که از تو منع شده است: پس به حساب خدا قرار ده. حضرت زهرا سلام الله علیها عرض کرد: خدا مرا کافی است؛ و

دیگر چیزی نفرمود.

## عیاده نساء المهاجرین و الانصار لها

### اشاره

لما رجعت فاطمه سلام الله علیها الی منزلها فتشکت - و کان وفاتها فی هذه المرضه - دخل الیها انساء المهاجرات و الانصاریات عائدات، فقلن لها: کیف اصبحت یا بنت رسول الله؟ فحمدت الله و صلت علی ابیها، ثم قالت: اصبحت و الله عائفه لدنیا کن، قالیه لرجالکن، لفظتھم بعد ان عجمتھم و شناتھم بعد ان سبرتھم. فقبحا لفلول الحد و خور القناه و خطل الرای و عثور الجد و خوف الفتن! و لبئس ما قدمت لهم انفسھم، ان سخط الله علیھم و فی العذاب هم خالدون. لا جرم و الله لقد قلدتھم ربقتھا و حملتھم اوقتھا و شننت علیھم عارھا. فجعدا و عقرا و بعدا للقوم الظالمین.

### عیادت زنان مهاجر و انصار

هنگامی که حضرت زهرا سلام الله علیها به خانه بازگشت و مریض شد - که شهادت حضرت هم در اثر آن بیماری بود - زنان مهاجر و انصار به عیادت حضرت آمدند و گفتند: ای دختر پیامبر، حالتان چگونه است؟ حضرت حمد الهی به جای آورد و بر پدر بزرگوارش درود فرستاد و سپس فرمود: صبح کرده ام در حالیکه به خدا سوگند از دنیای شما متنفرم و آن را رها کرده ام، و نسبت به مردان شما غضبناکم. با امتحان اول آنان را به دور افکندم و با آزمایش عمق ایمانشان آنان را مورد غضب و ملامت قرار دادم. پس ننگ بر کند شدن شمشیر و بی استقامتی نیزه و اضطراب فکر و تزلزل روح جدیت و ترس از فتنه و جنگ! و چه بد است آنچه برای آینده خود مهیا کرده اند که خداوند بر آنان غضب کرده و دائما در عذاب خواهند بود. بنابر این چاره جز این نبود که قلاده آن را بر گردنشان افکندم و سنگینی آن را بر دوششان قرار دادم و ننگ آن را بر سرشان افکندم. پس خیر از ظالمین دور باد و به بلا دچار شوند و از آثار نیک محروم باشند و از رحمت خدا دور گردند.

## ما الذی نقموا من ابی احسن

### اشاره

و یحهم! انی زحزحوها عن رواسی الرساله و قواعد النبوه و مهبط الروح الامین بالوحی المبین و الطین بامر الدنیا و الدین؟! الا ذلک هم الخسران المبین. و ما الذی نقموا من ابی احسن؟ نقموا و الله نکیر سیفه و قله مبالاته لحتفه و شده و طاته و نکال وقعته و تبحره فی کتاب الله و تمره فی ذات الله عز و جل.

### از علی چه چیزی را نپسندیدند؟

وای بر آنان! خلافت را از کوههای بلند رسالت و پایه های نبوت و محل نزول روح الامین با وحی مبین و از عالمان آگاه و حاذق در امر دنیا و دین به کجا کشاندند. بدانید که این زیان آشکار است. از ابوالحسن (علی علیه السلام) چه چیزی را نپسندیدند؟ به خدا قسم، ناراضی بودند از صلابت شمشیرش و بی پروایی او از مرگش و شدت حمله هایش و بر خوردهای عبرت آموز او در جنگ، و از تبحر او در کتاب خدا و غضب او در امر الهی.

## خساره الامه بغصب حق علی

### اشاره

و تالله لو تکافوا عن زمام نبذه الیه رسول الله صلی الله علیه و آله لا عتلقه، و لسا ر بهم سیرا سجحا لا یکلم خشاشه و لا یکل سائره و لا یتتبع را کبه؛ و لا- و ردهم منهلا- نمیرا رویا صافیا فصفاضا تطفح ضفته و لایترنق جانباه؛ و لا صدرهم بطانا قد تخیر لهم الری، غیر متحمل منه بطائل الا بغمر الناهل و ردهه سوره الساعب؛ و لفتحت علیهم برکات من السماء و الارض. و لکنهم نغوا فسیا خذهم الله بما کانوا یکسون، و الذین ظلموا من هوالا سیصیبهم سیئات ما کسبوا و ما هم بمعجزین.

### خسارت امت با غصب حق علی

بدانید قسم به لایزالی خداوند، هم اکنون فتنه بار دار شده است! پس زمان کوتاهی منتظر بمانید تا ثمره اش ظاهر گردد. آنگاه از آن کاسه ای لبریز از خون تازه و سم تلخ کشنده بدوشید. آنگاه است که اهل باطل زیان می کنند، و آیندگان از نتیجه آنچه پیشینان پایه گذارده اند آگاه می شوند. سپس خیال خود را راحت کنید و قلب خود را برای نزول فتنه قوی کنید و بشارت باد شما را بر شمشیری برنده، و قهر و غلبه متجاوز ظالم، و هرج و مرج دائمی و عمومی، و زورگویی ظالمین به گونه ای که اموال عمومی را غارت می کند و برای شما چیز کمی را باقی می گذارد و جمع شما را درو کرده و نابود می نماید. افسوس بر شما! چگونه خواهید بود هنگامی که دچار سر در گمی می شوید؟ آیا حق را به زور به شما بقبولانیم و در حالی که خودتان مایل نیستید؟!

### انذر هم بعاقبه الاغتصاب

### اشاره

اما لعمر الله لقد لقمحت نن فنظره ریثما تنتج، ثم احتلبوا طلاع القعب دما عیطا و ذعافا ممقرا. هنالك یخسر المبطلون، و یعرف التالون غب ما اسس الاولون. ثم طیوا بعد ذلك عن انفسکم نفسا، و اطمانوا للفتنه جاشا، و ابشروا بسیف صارم و سطوه معتد غاشم و هرج شامل و استبداد من الظالمین، یدع فیئکم زهیدا و جمعکم حصیدا. فیا حسره لکم! و انی بکم و قد عمیت علیکم، انلز مکموها و انتم لها کارهون؟!

### چه کسی را به جای علی انتخاب کردند

به خدا سوگند، اگر از گرفتن مهاری که پیامبر صلی الله علیه و آله آن را به او (علی علیه السلام) سپرده بود خودداری می کردند با او انس می گرفت و آنان را چنان به آرامی سیر می داد که محل بستن مهار زخمی نکند و حرکت دهنده آن خسته نشود و سواره آن به اضطراب نیفتد. و آنان را بر سر آبی فراوان و گوارا و زلال و وسیع می برد که آب آن از دو طرف نهر لبریز باشد و دو سوی آن گل آلود نشود، و آنان را از آنجا سیراب بیرون می آورد. در حالی که برای آنان سیرابی را پسندیده، خود از آن استفاده نمی کرد مگر بقدر رفع عطش سیراب و دفع شدت گرسنگی. و اگر خلافت را به او می سپردند برکات آسمان و زمین بر آنان گشوده می شد، ولی آنان از حق روی گردانیدند، پس به زودی خداوند آنان را به آنچه برای خود کسب کرده اند مواخذه می نماید و به زودی می رسد به کسانی که ظلم نمودند سزای آنچه کسب کرده اند و نمی توانند مانع چنین عاقبتی شوند.

### من الذی استبدلوه بعلی

## اشاره

الا هلم فاسمع و ما عشت اراک الدهر عجا، و ان تعجب فقد اعجبک الحادث! الی ای نحو اتجهوا؟ و الی ای سناد استندوا؟ و علی ای عماد عتمدوا؟ و بایه عروه تمسکوا؟ و علی ای ذریه اقدموا و احتکوا؟ و لمن اختاروا و لمن ترکوا؟ لبس المولی و لبس العشیر بس للظالمین بدلا. استبدلوا و الله الذنابی باقوادم، و الحرون باقاحم، و العجز بالکاهل. فرغما لمعاطس قوم یحسبون انهم یحسنون صنعا! الا انهم هم المفسدون و لکن لایشعرون. و یحهم! و افمن یهدی الی الحق احق ان یتبع، امن لا یهدی الا ان یهدی؟ فما لکم، کیف تحکمون؟

## پیش بینی عاقبت غضب خلافت

هان، بیا و بشنو، و تا زنده ای روزگار امر عجیبی را به تو نشان خواهد داد! و اگر تعجب کنی بدان که همین حادثه تو را به تعجب وا داشته است! به کدام سو روی آورده اند؟! و به کدام تکیه گاهی اتکا نمودند؟! به کدام پایه ای اعتماد نمودند؟! و به کدام دستاویزی چنگ زدند؟! و بر ضد کدامین ذریه ای اقدام کردند و بر آنان چیره شدند؟! و برای چه کسی انتخاب کردند و برای چه کسی رها نمودند؟! چه بد سرپرستی و چه بد دوستانی! و برای ظالمین چه بد جایگزینی است. به خدا سوگند پس ماندگان را به جای پیشتازان، و ترسوی نادان را به جای دلیر آگاه، و فرومایگان را به جای معتمدان خود قرار دادند. بینی شان بر خاک مالیده باد و پشیمان شوند قومی که گمان می کنند کار درستی انجام می دهند. بدانید که آنان مفسدند ولی خود نمی دانند. وای بر آنان! آیا کسی که به حق هدایت می کند سزاوارتر به پیروی است یا کسی که خود هدایت نیافته مگر آنکه هدایت شود؟ شما را چه شده است؟! چگونه حکم می کنید؟!

## عذر لا یقبل بعد التقصیر

## اشاره

فاعادت النساء قولها علیه السلام علی رجالهن، فجاء الیها قوم من وجوه المهاجرین و الانصار معتذرین و قالوا: یا سیده النساء لو کان الوالحسن ذکر لنا هذا الامر من قبل ان نبرم العهد و نحکم العقد لما عدلنا عنه الی غیره. فقالت علیه السلام: الیکم عنی، فلا عذر بعد تعذیرکم و لا امر بعد تقصیرکم. در اینجا متن عربی خطبه فاطمی فدک پایان می پذیرد.

## عذری که پذیرفته نیست

زنان عیادت کننده فرمایشات حضرت زهرا سلام الله علیها را برای مردان خود بازگو کردند. پیرو آن عده ای از بزرگان مهاجرین و انصار بعنوان عذر خواهی نزد حضرت آمده و گفتند: ای سیده النساء اگر ابوالحسن (علی علیه السلام) این مسئله را قبل از آنکه پیمانی ببندیم و عقدی را محکم کنیم به ما یاد آور می شد، ما او را رها نکرده سراغ دیگری نمی رفتیم. حضرت زهرا سلام الله علیها فرمود: از من دور شوید (بس کنید)، که با بهانه های بیهوده تان عذر شما پذیرفته نیست و با کوتاهی های شما جای هیچ سخنی باقی نمانده است! در اینجا ترجمه فارسی خطبه فاطمی فدک پایان می پذیرد

## مدارک خطبه فدک

## اشاره

در طول تاریخ تاکید خاصی بر حفظ متن برای این خطبه بوده که هم دریای معارف اعتقادی است و هم یادگار مادر شیعه و سند مظلومیت اوست. بیش از ۲۳۰ کتاب مستقل به زبانهای فارسی، عربی، اردو، ترکی، انگلیسی و فرانسوی در موضوع فدک تألیف شده، که ۱۰۰ کتاب آن درباره خطابه حضرت زهرا سلام الله علیها و شرح و تفسیر آن است.

## سند خطابه حضرت زهرا

اسناد بلند و معتبر خطابه زهرا سلام الله علیها از امیرالمؤمنین علیه السلام و فرزندان آن حضرت آغاز می شود. زینب کبری سلام الله علیها دختر پنج ساله فاطمه سلام الله علیها در آن غوغای حق کشی صدای مادر را در سینه ضبط نمود و به نسلهای مسلمین رساند و تا امروز اثر آن زنده مانده است. همچنین امام حسین و امام زین العابدین و امام باقر و امام صادق علیه السلام بعنوان ناقلین خطبه مادرشان فاطمه سلام الله علیها آن را به اصحابشان آموخته اند. نکته ای که در این مورد جلب توجه می کند جنبه ادبی بسیار بالای خطبه است که باعث شده عده ای از روایان و مولفین غیر شیعه نیز این خطبه مفصل را با جزئیاتش نقل کنند. از نمونه های بسیار جالب، نقل این خطبه در کتاب المنظوم و المثنوی من الکلام نسوان العرب من الخطب و الشعر است که مولف آن از علمای متقدم سنی است، و نسخه خطی این کتاب در خزانه موکل عباسی در قرن دوم بوده است.

## منابع خطابه حضرت زهرا

خطابه حضرت زهرا سلام الله علیها با اسناد زیادی نقل شده که بسیاری از آنها به دست ما نرسیده و یا اگر رسیده متن کامل خطبه را همراه نداشته و فقط قسمتهایی از آن را نقل کرده است. اسنادی که تاکنون به دست ما رسیده و خطبه کامل حضرت را برای ما نقل کرده باشد ۲۲ سند است که ذیلا بعنوان پشتوانه متن آماده شده خطبه عینا ذکر می شود. این اسناد از ۱۷ منبع به شرح زیر استخراج شده است: ۱. دلائل الایمه، ابوجعفر محمد بن جریر طبری امامی از علمای قرن پنجم، چاپ قم، موسسه بعثت، ۱۴۱۳: ص ۱۰۹ - ۱۲۹. ۲. الاحتجاج، ابومنصور احمد طبرسی متوفای ۵۴۸ چاپ قم، ج ۱ ص ۱۳۱ - ۱۴۶. ۳. کشف الغمه فی معرفه الائمة علیه السلام، ابوالحسن علی بن عیسی اربلی متوفای ۶۹۳، چاپ بیروت، دار الکتب الاسلامی، ج ۲ ص ۱۰۵ - ۱۲۰. ۴. شرح نهج البلاغه، ابن میثم بحرانی متوفای ۶۷۹، چاپ بیروت، ۱۴۰۱، دار العالم الاسلامی: ج ۵ ص ۱۰۵. ۵. الشافی فی الامامه، سید مرتضی علیم الهدی متوفای ۴۳۶، چاپ تهران، موسسه الصادق، ۱۴۱۰: ج ۴ ص ۶۹ - ۷۸. ۶. شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار علیه السلام، قاضی نعمان مغربی متوفای ۳۶۳، چاپ قم، جامعه مدرسین: ج ۳ ص ۳۴ - ۴۰. ۷. الطرائف، سید رضی الدین علی بن طاووس متوفای ۶۶۴، چاپ قم، ۱۴۰۰: ص ۲۶۳ - ۲۶۶. ۸. الدر النظیم فی مناقب الائمة اللهامیم، جمال الدین یوسف بن حاتم شمامی از علمای قرن هفتم، چاپ قم، جامعه مدرسین ۱۴۲۰: ص ۴۶۵ - ۴۸۳. ۹. الکتاب المبین، محمد بن عبدالنبی نیشابوری متوفای ۱۲۳۲، نسخه خطی کتابخانه آیه الله مرعشی قم، شماره ۱۸۷۵، ص ۱۹۰. ۱۰. انوار الیقین فی امامه امیرالمؤمنین علیه السلام، حسین بن بدرالدین حسنی یمنی متوفای ۶۷۰، نسخه خطی کتابخانه مرکز الابحاث العقائده قم: ص ۲۷۶ - ۲۸۷. ۱۱. منال الطالب فی شرح طوال الغرائب، مبارک بن محمد بن اثیر متوفای ۶۰۶، چاپ مکه، جامعه ام القری، ۱۳۹۹، ص ۵۰۱ - ۵۰۷، ۵۲۸ - ۵۲۹. ۱۲. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید المتوفی ۶۵۶، چاپ مصر، دار احیاء الکتب العربیه، ج ۱۶ ص ۲۱۱ - ۲۱۵، ص ۲۲۳ - ۲۳۴. ۱۳. التذکره الحمدونیه، ابن حمدون محمد بن حسن متوفای ۵۶۲، چاپ بیروت، دار صبار، ۱۹۹۶، ج ۶ ص ۲۵۵ - ۲۵۹ ح ۶۲۸. ۱۴. نثر الدار، ابوسعید منصور آبی متوفای ۴۲۱، چاپ مصر، الهیئه المصریه العامه الکتاب: ج ۴ ص ۸ - ۱۵. ۱۵. بلاغات النساء ابن طیفور



احمد بن ابی طاهر متوفای ۲۸۰، چاپ قم، انتشارات بصیرتی: ص ۱۲، ۱۴، ۱۶. الفاضل فی صفه الادب الکامل، ابوالطیب محمد بن احمد و شاء متوفای ۳۲۵، چاپ بیروت، ۱۴۱۱، دار الغرب العربی، ص ۲۱۰ - ۲۱۳. ۱۷. نسخه علامه قزوینی، که در کتاب فدک ص ۱۴۵ آورده و ویژگی خاصش را مقابله آن توسط چند نفر از علمای نسخه شناس بیان نموده است. لازم به تذکر است که سه منبع زیر نیز قسمتهایی از خطبه را نقل کرده اند: ۱. معانی الاخبار، شیخ صدوق متوفای ۳۸۱، چاپ قم، مکتبه الداوری: ج ۲ ص ۲۹۵ - ۲۹۶، ج ۱ ص ۳۸۴ - ۳۸۵. ۲. امالی طوسی، شیخ طوسی متوفای ۴۶۰، چاپ قم، مکتبه المفید: ص ۳۸۴. ۳. نسخه علامه مجلسی، که در بحارالانوار: ج ۲۹ ص ۳۱۱ آورده و می گوید: در حاشیه نسخه قدیمی از کتاب کشف الغمه یافتم که نوشته بود: به خط سید مرتضی یافتم که... و بعد قسمتی از خطبه را نقل می کند. این نسخه هم اکنون در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۱۰۸۱ موجود است.

## اسناد خطابه حضرت زهرا

### اشاره

اسناد خطابه حضرت زهرا سلام الله علیها در مسجد با ۲۲ سند نقل شده که تفصیل آن چنین است:

### روایت حضرت زینب کبری

۱. قال ابو جعفر بن جریر الطبری فی دلائل الامامه اخبرنی ابوالحسین محمد بن هارون بن موسی التلعکبری، قال حدثنا ابی، قال: حدثنا ابوالعباس احمد بن محمد بن سعید الهمدانی، فقال: حدثنی محمد بن المفضل بن ابراهیم بن المفضل بن قیس الاشعری، قال: حدثنا علی بن حسان، عن عمه عبدالرحمن بن کثیر، عن ابی عبدالله جعفر بن محمد، عن ابیه، عن جده علی بن الحسین علیه السلام، عن عمه زینب بنت امیرالمؤمنین علیه السلام. ۲. قال الطبری ایضا فی دلائل الامه: قال العباس: حدثنا محمد بن المفضل بن ابراهیم الاشعری، قال: حدثنی ابی، قال: حدثنا احمد بن محمد بن عمرو بن عثمان الجعفی، قال حدثنی ابی، عن جعفر بن محمد علیه السلام، عن ابیه، عن جده علی بن الحسین علیه السلام، عن عمته زینب بنت امیرالمؤمنین علیه السلام و غیر واحد. ۳. قال الطبری ایضا فی دلائل الامامه: حدثنی القاضی ابو اسحاق ابراهیم بن مخلد بن جعفر بن سهل بن حمران الدقاق، قال: حدثنی ام الفضل خدیجه بنت محمد بن احمد بن ابی الثلج، قال: حدثنا ابو عبدالله محمد بن احمد الصفوانی، قال: حدثنا ابواحمد عبدالعزیز بن یحیی الجلودی البصری، قال: حدثنا محمد بن زکریا، قال: حدثنا جعفر بن عماره الکندی، قال: حدثنی ابی، عن الحسن بن صالح بن حی، قال: حدثنی رجلان من بنی هاشم، عن زینب بنت علی علیه السلام. ۴. قال ابن ابی الحدید فی شرحه علی نهج البلاغه: قال ابوبکر احمد بن عبدالعزیز الجوهری: حدثنا محمد بن زکریا، قال: حدثنا جعفر بن محمد بن عماره الکندی، قال: حدثنی ابی، عن الحسین بن صالح بن حی، قال: حدثنی رجلان من بنی هاشم، عن زینب بنت علی علیه السلام. ۵. قال الحسن بن بدرالدین محمد الحسنی الیمنی فی انوار الیقین: حدثنا ابوزرعه احمد بن محمد بن موسی الفارسی، قال: حدثنا القاسم بن محمد بن صعب الکوفی، قال: حدثنی ابی، قال: حدثنی یحیی بن الحسین بن زید بن علی، عن ابیه، عن جده، عن عمته زینب بنت علی علیه السلام. ۶. قال احمد بن ابی طاهر ابن طیفور فی بلاغات النساء حدثنی جعفر بن محمد رجل من اهل دیار مصر - لقیته بالراقفه - قال: اخبرنا جعفر الاحمر، عن زید بن علی بن الحسین علیه السلام، عن عمته زینب علیه السلام. ۷. قال جمال الدین یوسف بن حاتم الشامی فی الدر النظیم: روی عبدالله بن علی بن ابی طالب علیه السلام.

### روایت امام حسین

۸. قال ابو جعفر الطبری فی دلائل الامامه: حدثنا العباس بن بکار، قال: حدثنا حرب بن میون، عن زید بن علی، آباءه علیه السلام، و هو ینهی الی الحسین علیه السلام. ۹. قال ابن طیفور فی بلاغات النساء عن ابی الحسین زید بن علی بن الحسین علیه السلام، قال: حدثنی ابی، عن جدی الحسین علیه السلام.

### روایت امام باقر

۱۰. قال ابو جعفر الطبری فی دلائل الامامه قال الصفوانی: حدثنی ابی عن عثمان قال: حدثنا نائل بن نجیح، عن عمرو بن شمر، عن جابر الجعفی، عن ابی جعفر محمد بن علی الباقر علیه السلام. ۱۱. قال ابن ابی الحدید فی شرح نهج البلاغه: قال ابوبکر احمد بن عبدالعزیز الجوهری: حدثنی عثمان بن عمران العجیفی، عن نائل بن نجیح، عن عمرو بن شمر، عن جابر الجعفی، عن ابی جعفر محمد بن علی علیه السلام. ۱۲. قال ابن ابی الحدید فی شرح نهج البلاغه: قال ابوبکر احمد بن عبدالعزیز الجوهری: حدثنی محمد بن زکریا، قال: حدثنی جعفر بن عماره قال: حدثنی ابی، عن الحسین بن صالح بن حی: قال: جعفر بن محمد بن علی بن الحسین علیه السلام، عن ابیه جعفر محمد بن علی علیه السلام.

### روایت ابن عباس

۱۳. قال ابو جعفر الطبری فی دلائل الامامه حدثنا ابوالمفضل محمد بن عبدالله بن المطلب الشیبانی، قال: حدثنا ابو العباس احمد بن محمد (بن احمد) بن سعید الهمدانی، قال: حدثنا احمد بن محمد بن ابی نصر البزنطی، عن سکونی، عن ابان بن عثمان الاحمر، عن ابان بن اغلب الربعی، عن عکرمه عن ابن عباس.

### روایت عبدالله بن حسن بن حسین

۱۴. قال ابو جعفر الطبری فی دلائل الامامه قال الصفوانی: حدثنی محمد بن محمد بن یزید مولى بنی هاشم، قال حدثنی عبدالله بن محمد بن سلیمان عن عبدالله بن الحسن بن الحسن، عن جماعه من اهله. ۱۵. قال ابن طیفور فی بلاغات النساء قد حدث به الحسین بن علوان، عن عطیه العوفی، انه سمع عبدالله بن الحسن یذکره، عن ابیه. ۱۶. قال ابن ابی الحدید فی شرح النهج: قال ابوبکر احمد بن عبدالعزیز الجوهری: حدثنی احمد بن محمد بن یزید، عن عبدالله بن محمد بن سلیمان، عن ابیه، عن عبدالله بن الحسن بن الحسن.

### روایت عایشه

۱۷. قال السید المرتضی فی الشافی اخبرنا ابو عبدالله (خ ل: ابو عییدالله) محمد بن عمران المرزبانى (و زاد فی خ ل: قال: حدثنی محمد بن احمد الكاتب)، قال: حدثنا احمد بن عیید بن ناصح النحوی، قال: حدثنی الزیادی، قال، حدثنا الشرقي بن القطامی، عن محمد بن اسحاق، قال: حدثنا صالح بن کیسان، عن عروه بن الزبیر، عن عائشه. ۱۸. قال السید ابن طاووس فی الطرائف و الشیخ محمد النیشابوری فی کتاب المبین: ذکر الشیخ اسعد بن سقروه (خ ل: سعید بن سقر) فی کتاب الفائق عن الاربعین عن الشیخ ابی بکر احمد بن موسی بن مردودیه الاصفهانی فی کتاب المناقب، قال: اخبرنا اسحاق بن عبدالله بن ابراهیم، قال: حدثنا احمد بن عیید بن ناصح النحوی: قال: حدثنی الزیادی محمد بن زیاد، قال: حدثنا شرقي بن قطامی، عن صالح بن کیسان، عن الزهری، عن عروه عن عائشه.

### روایت ابوشام محمد

۱۹. قال ابو جعفر فی دلائل الامه: قال الصفوانی: حدثنا عبدالله بن الضحاک: قال: حدثنا هشام بن محمد، عن ابيه.

### روایت عوانه

۲۰. قال ابو جعفر الطبری فی دلائل الامه: قال الصفوانی: حدثنا عبدالله بن الضحاک، قال: حدثنا هشام بن محمد، عن عوانه.

### روایت ابن عایشه

۲۱. قال السيد المرتضى فی الشافی قال المرزبانی: حدثنا ابوبکر احمد بن محمد المکی، قال: حدثنا ابوالعیناء محمد بن القاسم الیمانی، قال: حدثنا ابن عائشه. ۲۲. قال ابو جعفر الطبری فی دلائل الامامه: قال الصفوانی: حدثنا ابن عائشه. همچنین سخنان حضرت زهرا سلام الله علیها خطاب به زنان مهاجر و انصار که بعد از خطبه به عیادت آمده بودند با ۸ سند نقل شده که تفصیل آن چنین است:

### روایت امیرالمؤمنین

۱. قال الصدوق فی معانی الاخبار: حدثنا بهذا الحدیث ابوالحسن علی بن محمد بن الحسن المعروف با بن مقبره القزوینی، قال: اخبرنا ابو عبیدالله جعفر بن محمد بن حسن بن جعفر بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام، قال: حدثنی محمد بن علی الهاشمی، قال: حدثنا عیسی بن عبدالله بن محمد بن عمر بن علی بن ابی طالب علیه السلام، قال: حدثنی ابی، عن ابيه، عن جده، عن علی بن ابی طالب علیه السلام. ۲. قال ابو محمد الحسن بن محمد الیمنی فی انوار الیقین: روى السيد ابوالعباس الحسنی قال: حدثنا محمد بن شهاب الکوفی، عن عبدالرحیم، عن محمد بن علی الهاشمی، عن عیسی بن عبدالله، عن ابيه، عن جده، عن علی علیه السلام.

### روایت امام زین العابدین

۳. قال ابو جعفر محمد بن حریر الطبری فی دلائل الامامه حدثنی ابولامفضل محمد بن عبدالله قال: حدثنا ابوالعباس احمد بن احمد بن سعید الهمدانی، قال حدثنی محمد بن المفضل بن ابراهیم بن المفضل بن قیس الاشعری، قال: حدثنا علی بن حسان، عن عمه عبدالرحمن بن کثیر عن ابی عبدالله جعفر بن محمد علیه السلام، عن ابيه، عن جده علی بن الحسین علیه السلام.

### روایت فاطمه بنت الحسین

۴. قال ابو جعفر الطبری فی دلائل الامامه حدثنی ابواسحاق ابراهیم بن مخلد بن جعفر الباقرحی، قال حدثنی ام الفضل خدیجه بنت ابی بکر محمد بن احمد بن ابی الثلج، قالت: حدثنا ابو عبدالله محمد بن احمد الصفوانی، قال: حدثنا ابواحمد عبدالعزیز بن یحیی الجلودی، قال: حدثنی محمد بن زکریا، قال: حدثنا محمد بن عبدالرحمن المهلبی، قال: حدثنا عبدالله بن محمد بن سلیمان المدائنی، قال حدثنی ابی، عن عبدالله بن الحسن، عن امه فاطمه بنت الحسین علیه السلام. ۵. قال الصدوق فی معانی الاخبار حدثنا احمد بن الحسن القطان، قال: حدثنا عبدالرحمن بن محمد الحسینی، قال: حدثنا ابوالطیب محمد بن الحسین بن حمید الخمی، قال: حدثنا ابو عبدالله محمد بن زکریا، قال: حدثنا محمد بن عبدالرحمن المهلبی، قال: حدثنا عبدالله بن محمد بن سلیمان، عن ابيه، عن عبدالله بن الحسن عن امه فاطمه بنت الحسین علیه السلام. ۶. قال علی بن عیسی الاریلی فی کشف الغمه و ابن ابی الحدید فی شرحه علی

نهج البلاغه: قال ابوبکر احمد بن عبدالعزيز الجوهري: حدثنا محمد بن زكريا، قال: حدثنا محمد بن عبدالرحمن المهلبی، عن عبدالله بن حماد بن سليمان، عن ابيه، عن عبدالله بن حسن بن حسين، عن امه فاطمه بنت الحسين عليه السلام.

### روایت ابن عباس

۷. قال الشيخ الطوسي في الامالي: قال اخبرنا الحفار، قال: حدثنا اسماعيل بن علي الدعبلی، قال: حدثنا احمد بن علي الخزاز - ببغداد بالكرخ بدار كعب - قال: حدثنا ابوسهل الدقاق، قال: حدثنا عبدالرزاق (خ ل بن عبدالرزاق) قال الدعبلی: حدثنا ابو يعقوب اسحاق بن ابراهيم الدبري - بصنعاء اليمن في سنة ثلاث و ثمانين و مائين - قال: حدثنا عبدالرزاق، قال: اخبرنا نعمر، عن الزهري، عن عبيد الله بن عبدالله بن عتبة بن مسعود، عن ابن عباس.

### روایت عطیه عوفی

۸. قال ابن طيفور في بلاغات النساء حدثني هارون مسلم بن سعدان، عن الحسن بن علوان، عن عطيه العوفی.

### تنظیم و ترجمه متن کامل خطبه حضرت زهرا

متن عربی خطابه حضرت زهرا سلام الله عليها تا کنون به صور مختلف به چاپ رسیده که اکثر آنها طبق روایت کتاب احتجاج طبرسی بوده است. لذا آماده سازی متنی کامل و مقابله شده بر نسخ متعددی که ذکر شد، با توجه به جایگاه عظیم خطابه حضرت در میراث فرهنگی شیعه، از واجبات علمی ماست. متن حاضر طبق منابع و اسنادی که قبلا ذکر شد پس از مقابله و تطبیق آن در مدارک بیست گانه اش یعنی کتابهای دلائل الامه، الاحتجاج، کشف الغمه، الشافی، شرح نهج البلاغه ابن میثم، الطرائف، الدر النظیم، الکتاب المبین، شرح الاخبار، انوار الیقین، امالی شیخ طوسی، معانی الاخبار، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، بلاغات النساء التذکره الحمدونیه، نثر الدر، منال الطالب، الفاضل فی صفة الادب بلاغات النساء التذکره الحمدونیه، نثر الدر، منال الطالب، الفاضل فی صفة الادب الکامل، و نیز نسخه علامه قزوینی در کتاب فدک و نسخه علامه مجلسی در بحار تنظیم و تلفیق شده، که در ۳۷ بخش قدیم شده است. کیفیت تنظیم خطبه و مقابله نسخه ها و موارد تکمیلی آنها نسبت به یکدیگر در کتاب اسرار فدک بیان شده، و طالبین می توانند به آن کتاب مراجعه نمایند. در کتاب حاضر، متن خطبه بدون پاورقی و ذکر نسخه بذلها آمده و در اول هر بخش عنوان آن ذکر شده است. حرکات و اعراب گذاری برای سهولت در مطالعه و حفظ خطبه انجام گرفته، و مواردی مهم خطبه با حروف سیاه آورده شده است. ترجمه فارسی نیز در ۳۷ بخش تنظیم شده و سعی بر آن بوده که ظرافت معانی مراعات شود و در عین حال تا حد امکان از الفاظ پیچیده استفاده نشده به طوری که برای عموم قابل درک باشد. اضافه بر اینکه استعاره و کنایه و ضرب المثل هایی نیز در آن وجود دارد و در معنی کردن آنها درک صحیح فارسی زبانان در نظر گرفته شده است. البته نظر به اهمیت خطبه، فهم دقیق بعضی موارد آن احتیاج به تفسیر دارد که کتاب اسرار فدک تا حدودی به آن پرداخته ایم. یاد آور می شود قطعات تاریخی که همزمان با خطبه و در همان مجلس واقع شده جمع آوری شد و به صورتی که در متن خطبه مشخص است تلفیق شد. این بدان جهت است که خطابه حضرت زهرا سلام الله عليها صورت محاکمه داشته و گفتگوهای متعددی ضمن آن واقع شده که برای ارائه صورت کامل آن باید به این صورت تنظیم می شد تا خواننده تصور دقیقی از ماجرا داشته باشد. ما اکنون به استقبال صدای فاطمی علیه السلام می رویم، در روزگاری که آن بزرگ بانوی جهان با تنفر و غضب نسبت به چنان مردمانی فدک را رها کرد و رفت، و ننگ و نفرین نثارشان نمود. امامان معصوم از فرزندان زهرا سلام الله عليها نیز حاضر به باز پس گرفتن سرزمینی نشدند که به قیمت جسارت به مقام والای مادرشان غضب شد. امامان ما حساب فدک را به قیامت گذاشتند چرا که صاحب فدک

چنین می خواست و با همین خواسته از این جهان رفت. آنچه بر آن تاکید فرمودند این بود که شیعیان با احساس دیگری این خطبه مادرشان را دنبال کنند و گوش جان به صدای پر سوز و گداز فاطمه سلام الله علیها بسپارند و تا حد امکان آن را در سینه جای دهند و حفظ دهند و حفظ کنند و به فرزندان و خویشان و دوستان خود بیاموزند. ای فاطمه پهلو شکسته، که در هیجده سالگی با قد خمیده و با سیلی از اشک، این خطابه مفصل را در دفاع از حریم عصمت ایراد فرمودی، صدای شکستن دل تو از لابلای سخنان قلب ما را می سوزاند و روح ما را که از طینت تو بر گرفته است غصه دار می کند. با تو ای دو جهان پیمان می بندیم که کلامت را نیک به خاطر بسپاریم و مفاهیم آن را از اعماق جان درک کنیم و با آنچه در توان داریم از مقام شامخ تو دفاع کنیم و از کنار فدک تو بی تفاوت نگذریم.